

مقدمه‌ای تاریخی بر آیین نیایش سریانی

گیورگیس پانیکر

این کتاب ترجمه‌ای است از:

An Historical Introduction to the Syriac Liturgy

by : Geevarghese Panicker

SEERI Correspondence Course, No.3'

عنوان : مقدمه‌ای تاریخی بر آیین نیایش سریانی
نویسنده : گیورگیس پانیکر

WWW.IRANCATHOLIC.COM

فصل چهارم: استقرار مجدد مراسم نیایشی

طی مراحل تکامل بیانیه

۱- آیین نامه استقفی ۴۸

۲- قربانا ۴۹

۳- قطعیت یافتن ۵۲

۴- دستورالعملهای رم به تاریخ ۵ ماه مه ۱۹۸۸ ۵۹

۵- متونی از قربانا سنگین و ساده به تاریخ ۱۹۸۸ ۶۲

۶- سایر کتب نیایشی ۶۳

۷- نتیجه گیری ۶۴

فصل پنجم: مطالعاتی درباره متن

۱- رازا: موقرترین فرم قربانا (ویژگیهای آن) ۶۶

۲- رازا: فرم بسیار باوقار نیایشها و تشریفات ۶۷

فهرست

مقدمه ۵

فصل اول:

۱- نیایش سریانی شرقی ۶

۲- نیایش شرقی

۷ رابطه مابین کلیساهای پارس و مالابار

فصل دوم:

۱- نیایش هندی: تطبیق ۹

۲- روابط سالم با پرتغالیها ۱۳

فصل سوم: نیایشی لاتینی شده

۱- تنشها و سایشها ۱۵

۲- مجمع دیامپر (۱۵۹۹) ۲۲

۳- متن قربانا و (مجمع) دیامپر ۲۵

۴- متن قربانا در مجمع دیامپر ۲۶

۵- اسقف رز و متن قربانا: جزئیات ۳۲

۶- تأثیر تغییرات نیایشی دیامپر و اسقف رز

در نیایش مالابار طی چهار قرن بعدی ۳۸

۷- چاپ کتب نیایشی «تکشا» ۳۹

۸- کوریاکوس الیاس چاوارای مقدس ۴۴

۹- سایر نوآوریها در قرن نوزدهم ۴۶

فصل اول

۱ - نیایش سریانی شرقی

مراسم مختلف نیایشی در کلیسا ریشه های خود را در زمانهای رسولی دارند. در طی قرون، آنها به خانواده های مشخص نیایشی رشد کرده و به الهیات خاص نیایشی و زندگی روحانی نیایشی شکل دادند. تمام این مراسم در اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم شکل قطعی به خود گرفتند. در چندین دهه اخیر توجه روز افزونی به مطالعه خانواده نیایشی سریانی شرقی معطوف گردیده که نیایش سریانی مالابار جزئی از آن است. نیایش شناسان به نیایش سریانی شرقی به عنوان نیایشی که منشأ خود را در بیرون از دنیای یونانی- رومی و در محیط یهودی مسیحی داشته، علاقمند شدند. آنافورای (نیایش بزرگداشت) اصلی آن از آدای و ماری رسول است نیایشی که به خاطر منشأ باستانی (قرن سوم) و ویژگیهای سامی توجه دانش آموزان نیایش را به خود جلب نموده. شهرهای مشهور ادسا - که تا سال ۲۱۶ میلادی بیرون از امپراتوری روم بود - و نصیبین مراکز تجمع یهودیان بودند که بعدها مراکز مسیحیان یهودی گردیدند. نیایش سریانی شرقی در میان یهودیان مسیحی شده سریانی زبان منشأ گرفت و رشد کرد.

زمانی محققین باور داشتند که نیایش سریانی شرقی جوانه ای از نیایش انطاکیه ای است اما مطالعه ای دقیق تر و عمیق تر از تاریخچه، رشد، محتوا و ساختار آن این ادعا را بی اساس یافت. امروزه نیایش سریانی شرقی (که کلدانی نیز نامیده می شود) را جزئی از یک فامیل نیایشی مستقل یا نوع مستقل به حساب می آورند. همچنین تصور می شود که ادسا و نصیبین سنت نیایشی خاص خود را داشتند که از سنت نیایشی انطاکیه ای متفاوت بود.

مقدمه

سیریل کورولوسکی در کتاب «زبانهای زنده کلیسا» می گوید که هیچ کلیسای شرق به اندازه کلیسای مالابار لاتینی نشده. این کلیسای رسولی جنوب هندوستان از اولین قرون مسیحیت روابط نزدیکی با کلیساهای پارس و سلوکیه تیسفون داشته است.

در این کلیسا از همان ابتدا از نیایش سریانی استفاده می شد و حضور اسقفان پارسی به عنوان رهبران این کلیسا محدود گردید تا مشخصه های سریانی شرقی خود را حفظ نماید. اما در عین حال این کلیسا از غنی تر نمودن خود به توسط تطبیق با (فرهنگ) هندوستان دریغ نورزیده. در نتیجه این کلیسا «در فرهنگ، هندی؛ در مذهب، مسیحی؛ و در نیایش، سریانی شرقی» باقی ماند. مبشرین غربی ابتدا این کلیسای شرقی - هندی را تحمل می نمودند اما بعدها تنشها و برخوردهایی در این باره در مالابار بروز نمود. اصل رومی شدن در مجمع دیامپیر (۱۵۹۹) که با تشویق مبشرین برای کلیسای مالابار برگزار شده بود مورد تصویب قرار گرفت. قواعد آن عمدتاً توسط اسقف رز (Roz) (۱۶۲۴-۱۵۹۹) و روح دیامپیر به مرحله اجرا درآمد، و توسط جانشینان او - هم مبشرین و هم افراد بومی - تا به امروز نگاهداری شده است.

اما با وجود این همیشه تلاشی مداوم گرچه جزئی از جانب ایمانداران سریانی مالابار برای احیای نیایش انجام شده است. روم نیز علاقمند شد و نهایتاً متون گوناگون نیایشی با رنگ و بوی اصیل سریانی شرقی باردیگر برقرار گردید. حقیقت دارد که در این مورد تلاش بسیار بیشتری باید صورت پذیرد. امروزه هنوز هم حرکتی شدید برای درگیر شدن هم زمان در روند احیا و بازنگری نیایشی، وجود دارد.

دلیل روایتی که اعلام می‌دارد آدای، شاگرد توما، بشارت انجیل را به ادسا برد و شاگرد آدای، به نام ماری، کلیسا را در سلوکیه - تیسفون برپا نمود. قدیمی‌ترین اشاره به رابطه سلسله مراتبی مابین این دو کلیسا را می‌توان در روایت مربوط به قرن چهارم مالابار یافت که بر حسب آن در سال ۳۴۵ میلادی مهاجرینی از خاورمیانه، تحت رهبری تاجری به نام تومای کنعانی در مالابار سکونت گزیدند. این گروه شامل یک اسقف - ژوزف اهل ادسا - چهار کشیش، چندین شماس و هفتاد خانواده بود. با توجه به چنین روابط سلسله مراتبی، شهادتهای واضح تری توسط پاتریارکهای سریانی شرقی همانند عیسویاب دوم (۶۴۳-۶۲۸)، عیسویاب سوم (۶۶۰ - ۶۵۰) و تیموتی اول (۸۲۳ - ۷۷۹) نیز وجود دارند.

شناسنامه و صفحه اول (MS.Vat.Syr.22) از سال ۱۳۰۱ همان گونه که در بالا دیده شد به روابط صمیمانه مابین کلیساهای مالابار و بین النهرین اشاره دارد. چنین شواهدی در قرون قبل از آن نادر است، اما مدارکی نیز وجود دارند که به همین نتیجه گیری اشاره می‌نمایند، یعنی این که این دو کلیسا دارای روابط نزدیک بوده‌اند. در غیاب مدرکی دیگر مبنی بر مداخله کلیسای دیگری در مسائل کلیسای مالابار، شخص می‌باید حدس بزند که تنها کلیسائی که در سلسله مراتب با مالابار منسوب بوده کلیسای بین النهرین بوده است. از آن جا که ثابت شده که اسقفان کلیسای مالابار از بین النهرین می‌آمدند - به دلیل مدرک نیایشی (MS.Vat.Syr.22) (سال ۱۳۰۱) - و چون فاقد شواهدی برای استفاده از هر نوع نیایش دیگر در مالابار هستیم باید با اطمینان نتیجه بگیریم که استفاده از نیایش سریانی شرقی در مالابار از زمانهای بسیار قدیم شروع شده.

۲- نیایش شرقی

رابطه مابین کلیساهای پارس و مالابار

قدیمی‌ترین متن نیایشی کلیسای مالابار، دست نوشته قدیمی سریانی واتیکان شماره ۲۲ (MS.Vat.Syr.22) است، متنی تحریری که در سال ۱۳۰۱ میلادی برای استفاده در کلیسای مالابار از متنی از کلیسای جامع بیت کوهه در سلوکیه - تیسفون کپی شده است. اعیاد در این تقویم مطابق با تقویم سریانی شرقی می‌باشند. صفحه آخر و شناسنامه این نسخه سریانی نشان‌دهنده رابطه ای قوی مابین کلیساهای سلوکیه و مالابار است:

«این کتاب مقدس در شهر مشهور سلطنتی شینگلا (کرانگانور) در مالابار نوشته شد... در زمان فرمانده و مدیر بزرگ کلیسای کاتولیک شرق... پدر متبارک و مقدس ما مار یحسب‌الله... و در زمان اسقف ماریعقوب، اسقف اعظم و مدیر قلمرو مقدس مار تومای رسول، یعنی در واقع فرمانده و مدیر تمامی کلیسای مقدس هندوستان».

رابطه آشکار مابین سلسله مراتب این دو کلیسا که از یک مجموعه آیات منتخب برای قرائت در کلیسا و تقویم نیایشی مشابه استفاده می‌کند ما را وادار می‌سازد تا به قرون گذشته مراجعه نموده به جستجوی شواهدی برای چنین رابطه ای احتمالی بگردیم.

کلیساهای مالابار و پارس ریشه و منشأ خود را در تومای قدیس رسول می‌یابند. از سنت قوی کلیسای مالابار در این رابطه در کتاب کاذب مربوط به قرن سوم به نام «اعمال توما» حمایت شده، که ادعا دارد رسالت و شهادت تومای قدیس در هندوستان بوده و بقایای جسد او به ادسا برده شده است. پارسها نیز، کلیسای خود را مربوط به تومای رسول می‌دانند، به

به منظور تمایز مسیحیان از هندوها، از آنها خواسته شده بود به لاله‌های گوش خود زینت آلات آویزان نکنند (قانون ۲۵۸)، که تا همین اواخر فقط زینت مردان بود.

دیامپر همچنین خوابیدن افراد بیمار را در کلیسا نفی کرد (قانون ۲۳۱). هندوها عادت به گذراندن روزهای متمادی در تعمق و دعای خاص (bhajan) در مکانهای مقدس دارند، با انتظار از فیض الهی. تصمیم تأسف بار دیگری هم درباره طرز برخورد با افراد بیمار وجود داشت: هندوها فرمولی خاص (Mandras) و آیاتی از کتب مقدسه را بر روی برگ درخت خرما می نوشتند و آن را به بدن بیمار می چسباندند. این طرز رفتار در میان مسیحیان ممنوع شد (قانون ۲۴۹). نوزده سال بعد از دیامپر، یک مبشر ژروئیت، ژان ماری کمپری در نامه‌ای که در اوت ۱۶۱۸ نوشت اقرار کرد که این شیوه رفتار رایج بوده و خود او هم به خاصیت آن معتقد است، او می نویسد:

مسیحیان پیرو تومای قدیس عادت داشتند هنگامی که بیمار می شوند، بعضی آیات انجیل توسط کشیشان بر بالای سر آنها خوانده شود، و همچنین بعضی از جملات انجیل را نوشته در سیلندرها یا قوطیهای کوچکی از طلا یا نقره که به گردن آویزان می شوند قرار می دادند و به بازوی خود می بستند، به عنوان پادزهری بر علیه بیماریها تا آنها را از شر شیاطین محافظت نماید. به صورتی که ما از هرجا عبور می کردیم می بایستی تلاش کنیم تا آنها را که با تمام وجود در اشتیاق به دست آوردن چنین تکه کاغذهای کوچک هستند راضی نمائیم. در این کلیسا این وظیفه به چنان ابعادی گسترش یافته که ما قادر به راضی نمودن همه آنها نیستیم. نه تنها مسیحیان، بلکه حتی کفار هم از ما برای آنها التماس می نمایند... خداوند ما اغلب ایمان آنها را که درخواست چنین کاغذهایی را

فصل دوم

۱- نیایش هندی: تطبیق

در این مرحله می بایستی سؤال کنیم که آیا مسیحیان مالابار رسوم سریانی شرقی را به عنوان گنجینه‌ای وارداتی حفظ نموده‌اند، یا این که آنها به هندوهای هند اجازه داده‌اند تا بر انتظام مسیحی و عبادتی که از خارج وارد شده است تأثیر بگذارند. تعدادی از بیانیه‌های مجمع دیامپر (۱۵۹۹) که با «خرافات»، رفتارها، و شهادتهایی که در رابطه با رفتارهای «بدعت جویانه» و عجیبی است که توسط مسافرانی از غرب همانند باربوسا (۱۵۱۹)، مونسرات (۱۵۷۹)، وینسنزوماریا (۱۶۷۲)، و پائولینوس (۱۷۹۶) اعمال شده سر و کار دارند، مسأله را روشن تر می سازند.

مجمع دیامپر (۱۵۹۹) نوازندگان هندو را از نواختن ساز در کلیسا منع می نمود، رفتاری که امروزه نیز پابرجاست (قانون ۱۳۳). این شورا مسیحیان را از نشستن بر سر یک میز غذا با کفار برحذر می داشت (قانون ۱۶۹)، دستور می داد که ازدواج باید در کلیسا انجام شود و منع می کرد که در هنگام مراسم ازدواج «دانه‌های برنج در دایره‌ای پرتاب شود» (قانون ۱۸۸). قبل از آن ازدواج به عنوان جشن بزرگ فامیلی و در خانه برگزار می شد و مردم کشاورز هندوستان حتی امروزه هم در موقعیتهای فرخنده و خجسته دانه‌های برنج را به عنوان سمبل خوشامدگویی و رفاه می پاشند. دیامپر در محکوم کردن برگزاری این رسم (Onam)، فرصتی اجتماعی برای برگزاری جشن و سروری شادمانه و مجلل و پرخرج، درنگ ننمود (قانون ۲۴۵)، جشنی که حتی امروز هم در تمام مالابار رایج است:

مبشر فرانسیسکن (۱۷۹۶) به نام پلینی بارتولومئو به جای مانده. او می گوید شرابی که در مالابار مورد استفاده قرار می گرفت از شیر نارگیل درست می شد و تاگارام نام داشت، که در واقع مشروبی قوی است که از تخمیر نارگیل به دست می آید. به گفته او نان شام آخر از آرد مخلوط با روغن و نمک تهیه می شد، و نان تازه پخته شده در محراب مورد استفاده قرار می گرفت.

در شهادتی شبیه، از سال ۱۷۰۵ ثبت شده که فرانسیسکنها این اشتباه کراهت آور تقدیس جسم و خون مسیح در کیکهای برنج و شراب خرما را، تصحیح کردند.

در فقدان تاکستانها در هندوستان این رویه همانند تطبیق کاملاً معروف است، با توجه به این که در مالابار گندم هم نمی روید استفاده از آرد برنج قابل درک است. با وجود این مجمع دیامپر به اینها به عنوان «خطاهای» کلیسا اشاره نمی کند که شاید این احیا کردن روشی بوده که بسیار قبل از مجمع دیامپر از بین رفته بود. فقدان اسناد بیشتری در این مورد شک و تردید به جای می گذارد.

مونسرات در مورد ساختمان بزرگ کلیسا، شهادت می دهد که کلیساها را همانند معابد بتها که در منطقه وجود داشت می ساختند. وی اضافه می کند که یک سر اسقف - شاید مارا براهیم - دستور داد تا آنها را همانند نمونه های غربی بسازند.

به جای حلقه عروسی که در مراسم ازدواج سربانی شرقی مقرر شده، مسیحیان مالابار از جسمی زینتی و کوچک از طلا به نام «تالی» (tali) استفاده می کنند. که داماد آن را با رشته هائی که از نقاب عروس کشیده شده، به دور گردن عروس می بندد. یک صلیب که در بیست و یک نقطه تزئین گردیده تالی مسیحیان را از تالی برهمنیان که به طور معمول تصاویر

می نمایند با برقراری مجدد سلامت به آنها پاداش می دهد. یکی از ویژگیهای کلیسای مالابار که توسط باربوسا به آن اشاره شد، مربوط به عادت خادمین است: «نحوه تراشیدن سر برای خادمین با افراد معمولی متفاوت است، به این معنی که، قسمت‌هایی از سر را که ما می تراشیم، آنها مو دارند و جاهائی که ما مو داریم، آنها می تراشند. آنها ریشی بلند دارند، پیراهنهای سفید برتن می کنند، کلاه بر سر می گذارند، و با پاهای برهنه راه می روند». نحوه سر تراشی «مخالف ما» که توسط باربوسا عنوان شده، در هندوستان کودومی نامیده می شود، پاهای برهنه و ریش بلند مختص هندوهای سانیاسی است! و پوشیدن پیراهن سفید در آب و هوای مناطق حاره ای مالابار رسمی کاملاً عادی می باشد.

باربوسا درباره مراسم برگزاری عشای ربانی می نویسد: آنها با نان نمک دار به جای نان بدون خمیرمایه مشارکت می کنند، و نان را برای همه آنهائی که در کلیسا هستند تقدیس می نمایند. هر کسی که مشارکت می کند به پای محراب می رود و نان را با دست خود دریافت می نماید. آنها مقداری کشمش را برای یک شب در آب قرار می دهند و روز بعد هنگامی که باید نماز را اجرا کنند، آن را می فشارند و از آب آن به جای شراب برای انجام مراسم استفاده می نمایند.

مونسرات نیز می نویسد که این شیوه گرفتن آب کشمش خیس در مالابار نیز رایج است. او به علاوه می گوید که در آن جا توده ای به شکل توپ در وسط نان شام آخر قرار می دهند که از آرد برنج درست می شود و کشیش در هنگام مشارکت این را مصرف می نماید و سپس بقیه نان را به ایمانداران می دهد. چون در هندوستان شراب تهیه نمی شود، مسیحیان می باید از کشمش برای برگزاری مراسم شام آخر استفاده کنند. تقریباً دو قرن بعد از مونسرات ما توصیفی از مراسم عشای ربانی مالابار داریم که از

کشیشان آنها طبق سنت هرروزه قربانی مقدس را تقدیم می دارند. بنابراین در روز یکشنبه نوسردل (Nosardel) (یکشنبه بعد از عید پنطلیکاست) پس از آن که کشیشان آنها مراسم قربانی مقدس را برگزار کرده بودند، به ما نیز اجازه داده شد تا قربانی مقدس را برگزار نماییم، و این در نظر آنان بسیار خوشایند بود.

هندو بر آن نقش بسته متمایز می سازد. با وجود این که هیچ اشاره ای به تالی در دیامپر نیست، از تلاش رابرت دونویلی برای حفظ آن در Madura در اوایل قرن هفدهم، و از استفاده فعلی آن در میان مسیحیان مالابار، می توانیم نتیجه بگیریم که تالی در زمان مجمع دیامپر مورد قبول بوده است. چندین پذیرش فرعی دیگر نیز در زندگی و نیایش کلیسای مالابار وجود داشته، همانند لوازمی که در اعیاد و مراسم برگزاری نماز مردگان استفاده می شد.

۲ - روابط سالم با پرتغالیها

پایان قرن پانزدهم شروع دورانی جدید برای کلیسای هندوستان بود. آمدن واسکوداگاما در کالیکوت به سال ۱۴۹۸ راه را برای گفتگو مابین غرب و هندوستان هموار نمود.

در مالابار مبشرین جامعه ای مسیحی یافتند و آنها را به عنوان کاتولیک پذیرفتند با وجودی که می دانستند مسیحیان هند به سنت شرقی تعلق دارند. بنابراین در سال ۱۵۰۲ هنگامی که مسیحیان مالابار با واسکوداگاما در کوشین ملاقات نمودند هدایائی مابین آنها رد و بدل شد، و هر دو گروه از داشتن ایمان مشترک شادمان گردیدند.

روابط خوب موجود مابین مسیحیان مالابار به سرپرستی اسقفان کلدانی، و پرتغالیها در نامه ای بیان شده که اسقفان کلدانی در بین النهرین در سال ۱۵۰۴ برای پاتریارک الیاس فرستادند:

وقتی که ما... به شهر کانانور در هندوستان آمدیم آنها (پرتغالیها) را تفهیم کردیم که ما نیز مسیحی هستیم... آنها ما را با شادمانی زیاد استقبال نمودند... و زائرین ما را به خاطر مسیح احترام نهادند. ما حدود دو ماه و نیم با آنها ماندیم و قرار بر این شد که در یک روز بخصوص رازهای مقدس را با یکدیگر برگزار نمائیم، یعنی قربانی مقدس را تقدیم داریم...

موضوع بر خدمت بعضی از اسقفان کلدانی که در قرن شانزدهم در مالابار بودند و نیز بر سنت شرقی کلیسای مالابار در آن دوران تأثیر گذارد. به ماریعقوب که توسط قدیس فرانسیس اگزاویر توصیه شده بود گفته شد که تعمیدی که می دهد بی اعتبار است، و او باید به مبشرین لاتین اجازه دهد که آنهایی را که او تعمید داده بود دوباره تعمید دهند. خود ماریعقوب در نامه ای که برای ژان سوم پادشاه پرتغال در سال ۱۵۲۳ فرستاد به این موضوع اشاره نمود.

این نامه در جواب نامه ای بود که پادشاه قبلاً از طریق آلوارینتادو و یک مبشر پرتغالی، که تقاضا نموده بود به وی اجازه داده شود تا آنهایی را که ماریعقوب تعمید داده بود دوباره تعمید دهد، برای او فرستاده بود. در جوابیه ماریعقوب از دانش خود در مورد کتب مقدسه و نیز از توانایی خویش برای تعمید معتبر دفاع می کند، در حالی که اقرار دارد که در برگزاری مراسم رومی چندان فصیح نیست.

این را می توان به عنوان آغازی بر روند بی ارزش شمردن مراسم رازهای مقدس در سربانی شرقی و پیشنهاد جایگزین کردن آنها توسط رسوم رومی به عنوان شیوه‌هایی از اصلاح مذهب تلقی نمود. بنابراین، اساس مراسم، به غیر از مراسم لاتین در هندوستان، توسط این روند سست می شود. به نظر می رسد مبشرین می خواسته اند مطمئن شوند که مسیحیانی که با آنها در تماس قرار گرفته اند تعمیدی معتبر دارند. این اطمینان خاطر با تعمید مجدد و معرفی مراسم رومی حاصل می شد. به دور از این غیرت و عدم آگاهی به انحراف رفته، مبشرین مبادرت به اعمال سیاست رومی شدن نمودند.

با کوشش برای جذب مسیحیان مالابار به انتظام کلیسای روم، پرتغالیها بشارت توسط کشیشان لاتین در میان مسیحیان تومائی، و تعلیم و تربیت

فصل سوم

نیایش لاتینی شده

۱- تنشها و سایشها

قدیس فرانسیس اگزاویر در نامه ای به تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۵۴۹ به پادشاه پرتغال «ژان سوم» رضامندی و علاقه ای شدید نسبت به ماریعقوب (وفات ۱۵۵۲)، اسقف کلدانیها در مالابار، نشان می دهد. اما از نامه او چنین برمی آید که اسقف قدیس و پرهیزکار از جانب مسؤولان حکومتی پرتغال در کوشش از «احترامی که شایسته او بوده» برخوردار نمی شده. به نظر می رسد که منافع سیاسی پرتغالیها عامل اصلی تغییر نظر ایشان بوده است. اسقفان کلیسای مالابار توسط پاتریارکهای کلدانی انتخاب و برای خدمت اعزام می شدند: این رسم مورد آگاهی و تأیید روم هم بوده است، با وجودی که هیچکدام از کلیسای پارس و کلیسای مالابار هرگز مدعی نبودند که کلیسای مالابار جزئی از کلیسای پارس می باشد. بنابراین نامه های پاپ پیوس چهارم (۱۵۶۵) به سراسقف گوا و به اسقف لاتین کوشین و به پاتریارک کلدانی حاکی از حمایت و توصیه قوی به مارابراهیم است برای تأیید مشروعیت سنت انتصاب اسقفان مالابار بدین نحوه. اما انگیزه های سیاسی اعزام نیروهای پرتغالی و کارهای بشارتی آنها نمی توانست متحمل چنین شیوه و سنتی باشد. امتیازات Padroado «تولیت امور کلیسا» که از طرف روم برای حفاظت از سرزمینهای میسیونری و انتصاب اسقفان به پادشاهان پرتغال داده شده نمی توانست به سادگی با اقتدار سنتی پاتریارک کلدانی همزیستی داشته باشد. ما خواهیم دید که چگونه این

ماه دستگذاری شد. او در آن جا آموخت که مراسم نماز را به زبان لاتین برگزار کند و با «مراسم اسقفان ما» آشنا شد. سپس او را به مالابار فرستادند. این آموزش تأثیر زیادی بر او نهاد. وی بعدها تحت فشار مبشرین برخی نوآوریهای لاتین به کلیسای مالابار وارد نمود. در تاریخچه ای از فعالیت‌های بشارتی ژروئیت‌های اولیه کار ماریوسف بدین گونه توصیف شده است:

از سال ۱۵۵۸ در آن جا یک ماریوسف بر مسیحیان تومائی نظارت داشت که، برای این که خودش را کاتولیک قلمداد نماید و حسن نظر پرتغالیها را جلب کند، امور Serra (مالابار) را در نظمی بهتر، تا جایی که به مراسم نماز و آئینهای کلیسایی به شیوه رومی مربوط می شود، قرار داد. قبل از آن آنها به هنگام برگزاری مراسم دستمالی سفید به دور سرشان می بستند و ردای کتانی سفید کشیشان را روی آن می پوشیدند. او دستور استفاده از نان و شراب در مراسم عشای ربانی داد، زیرا در گذشته آنها با کلوخه های نان تقدیس شده که از خمیر همراه با روغن و نمک تهیه می شد و با استفاده از شراب شیرین که از انگورهای خیس خورده می فشردند این مراسم را برگزار می نمودند.

مارابراهیم آخرین اسقف کلدانی مالابار بود (وفات ۱۵۹۷) و توسط پاتریارک کلدانی به او لقب «سر اسقف آنگامالی» داده شده بود. وی برای اولین بار در سال ۱۵۵۸ به هندوستان رفت اما در سال ۱۵۶۵ به روم تبعید گردید، و در آن جا «تبدیل یافت» و مقام مقدس را از پاتریارک و نیز دریافت نمود. وی در سال ۱۵۶۸ با ادای سوگند وفاداری نسبت به ایمان «رومی» و با اجازه پاتریارک کلدانیهی هندوستان بازگشت. اما هنگام ورود او را در شهر گوآ زندانی نمودند زیرا اعتبار نامه از پادشاه پرتغال نداشت. در سال ۱۵۷۰ مارابراهیم از زندان خود گریخت و به مسیحیان مالابار پیوست. پرتغالیها از حضور او در آن جا آگاهی داشتند اما

خادمین مالاباری در سمینارهای پرتغالی در هندوستان یا لیسون را توصیه می نمودند. پرتغالیها در زمان حیات مار یعقوب موفق به انجام این کار شدند. مار یعقوب در نامه خود به تاریخ ۱۵۲۳ به پادشاه پرتغال اطلاع داد که او کشیشان پرتغالی را در نزدیکی خود نگاه خواهد داشت تا پس از مرگ وی مسیحیان آنها را به جای او بپذیرند. همچنین از یکی از نامه های فرانسیس آگزاویر قدیس می دانیم که در سال ۱۵۴۹ حدود یکصد نوآموز از بهترین خانواده های مسیحیان تومائی در سمینار کرانگانور، که توسط وین سنت دولاگو در سال ۱۵۴۱ پایه گذاری شده بود، حضور داشته اند.

خادمین در سمینار به سبک سنتهای غربی تعلیم می یافتند. چون در این سمینار زبان سریانی تدریس نمی شد، کشیشانی که در آن جا دستگذاری می شدند نمی توانستند مراسم نیایشی را در کلیساهای مالابار برگزار کنند. آنتونیو دوگوآ که در اواخر قرن شانزدهم در مالابار حضور داشته، شهادت می دهد که مسیحیان تومائی به فرزندان خود که در سمینار فرانسیسکنها دستگذاری شده بودند اجازه کار در حوزه های کشیشی نمی دادند زیرا آنها در رسم مالابار آموزش ندیده بودند. آنها با این کشیشان به عنوان میهمانان برخورد می کردند، همان برخوردی که با کشیشان لاتین داشتند. در دراز مدت این سمینار «تا جایی که به مسیحیان تومائی مربوط می شد یک شکست بود، و دلیل اعمال سیاست لاتینی شدن توسط مروجین، که می توانست تمام جامعه آنها را به انقیاد رسوم و صلاحیت قضائی لاتین و پرتغالیها درآورد، نیز همین بود.

ماریوسف، اسقف کلدانی که در سال ۱۵۵۶ همراه با آمبروز بوتیگگ - سفیر پاپ در موصل، و اسقف مارالیاس - برادر پاتریارک سولاقا، که از پاپ ژولیوس دوم در سال ۱۵۵۳ ردای اسقفی دریافت نمود، به مالابار فرستاده شد. با وجود این ماریوسف در گوآ برای مدت هیجده

ژروم آگزاویر مدیر سمینار کوشین در سال ۱۵۹۰ مورد بحث قرار گرفته است. این نامه خطاب به پدر آکواویا، ژنرال ژزوئیت می باشد، که در آرشیو مالابار ژزوئیتها در روم است. در این نامه از ژنرال درخواست شده بود که درباره این که آیا مبشرین باید رسوم محلی را قبول کنند یا رد نمایند تصمیمی اتخاذ کند. قسمتی از نامه که مورد توجه ماست می تواند این گونه خلاصه شود:

(۱) برای مسیحیان تومائی، دوران انابت و روزه سه روز زودتر شروع می شود، زیرا آنها کارناوال ندارند. آنها «چهار زمان معین برای شروع روزه در ابتدای هر فصل» (quatuor Tempora) ندارند. آنها پانزده روز قبل از عید صعود در ماه اوت روزه می گیرند، همین طور سه روز روزه نینوا را هیجده روز قبل از شروع دوران انابت می گیرند.

(۲) روزه آنها بسیار سخت و شامل: پرهیز از خوردن تخم مرغ، لبنیات، ماهی، شراب و برگ تنبول (که آنها همیشه مشغول جویدن آن هستند) می باشد. در ایام روزه آنها فقط در ساعت ۵ بعد از ظهر غذا می خورند. «امروزه ما تردید داریم که آیا ما نیز باید خودمان را با آنها تطبیق دهیم، با توجه به این که در نظر این مسیحیان ناطاعتی مذهبی است اگر ببینند که ما در همین زمان گوشت و ماهی می خوریم و شراب می نوشیم در حالی که آنها روزه هستند». بعضی از مبشرین نیز در موافقت با آنها روزه می گیرند، و بعضی نیز از رسم لاتین پیروی نموده سعی دارند از لفظ «نااطاعتی مذهبی» خودداری کرده و بگویند که کلیسای روم به طرز دیگری دستورالعمل صادر نموده است.

(۳) تفاوت در روزه داری مسئله ای است که در سمینار کوشین مطرح

قادر به انجام اقدامی بر علیه وی نبودند. او در سال ۱۵۷۱ به مجمعی محلی در گوا دعوت شد اما موفق به شرکت در آن نگردید. تصمیم گرفته شد که مسیحیان تومائی می باید تحت تولید پادشاه پرتغال باشند، و نتیجه آن این بود که اسقفان آنها دیگر توسط پاتریارک منصوب نخواهند شد. همچنین تصمیم گرفته شد تا مفاد بیانیه «ترنت» (Trent) در مالابار به مورد اجرا گذارده شود.

ماتیوریچی در نامه ای به تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۵۸۰ که به عمانوئیل دوگوئیس از کوشین ارسال نمود، بعضی از جنبه های زندگی نیایشی مسیحیان تومائی را تشریح می کند: مارا براهیم از لباس مخصوص رومی (در مراسم نماز) استفاده می کند؛ در عشای ربانی به ایمانداران یک نوع بخصوص از شراب و نان داده می شود؛ آنها تمام رازهای مقدس را به جز اقرار و «تدهین نهائی» دارند و از زبان کلدانی به عنوان زبان رسمی استفاده می کنند. مراسم و سنتهای لاتین باید به این زبان ترجمه شوند. کتاب نماز و دعای جدید رومی، کتاب نماز رومی، و غیره. ترجمه کتاب نماز و دعای جدید در سومین مجمع محلی در گوا، در سال ۱۵۸۵ نیز توصیه شد.

از آنچه گفته شد آشکار می شود که پرتغالیها به گروهی از مسیحیان کاتولیک در مالابار برخورد کردند، که نمی توانستند سنتهای آنان را درک کنند چه برسد به این که ارج نهاده و تقبل نمایند. با گذشت زمان مسائل در سطح شبانی حادثتر شدند. مبشرین می توانستند رسوم مالابار را با رسوم رومی که با آن آشنا بودند جایگزین نمایند و یا مشکلات ایمانداران را با لاتینی کردن مسیحیان مالابار حل نمایند.

مشکلات در سالهای قبل از تشکیل مجمع دیامپر واقعاً حاد بودند. بعضی از جنبه های قضیه، مخصوصاً در رابطه با روزه، در نامه ای طولانی از

روزه آنها. اما طریق روزه داری آنها برای ما سخت است، غذا خوردن در ساعت یازده و در شب برای ما بسیار دردآور خواهد بود با وجودی که از این طریق اشتیاق مذهبی رشد خواهد کرد. آیا این واقعاً صحیح است که بگوئیم آنها تذهیب اخلاقی نشده اند، در حالی که ما گوشت می خوریم و آنها روزه دار هستند».

در این نامه، تفاوت‌های مابین کلیسای روم و مالابار برای مبشرین آشکار می شود. آن رسوم هیچ ارتباطی به آموزشهای اصول گرایانه ندارند، و بنابراین مسیحیان مالابار مجاز به رعایت کردن آنها هستند. اما موضوع امکان پذیری شبانی در مفهوم «راحتی شبانی» است. در واقع، بشارت متوجه عمل صحیح برای انجام بود - یعنی تطبیق دادن خود با مردم از طریق پذیرش سنتهای آنان. اما این «دردآور» است. بنابراین راه حل آسان برای بشارت این است که مسیحیان را با سنتهای رومی تطبیق دهند، یعنی رومی کردن آنها. این اشتیاق قبل از تشکیل مجمع دیامپر (۱۵۹۹) در میان مبشرین حکمفرما بود. تأیید رسمی و به اجرا گذاردن این روند بهترین نتیجه ای بود که آنها می توانستند از این مجمع به دست آورند.

۲- مجمع دیامپر (۱۵۹۹)

در زمان تشکیل جلسات این مجمع، مالابار منطقه تابع گوا نبود، و نه تحت پادشاهی پادروآدو، و جزئی از هیچ سلسله مراتب لاتین محسوب نمی شد. با وجود این با برگزاری این مجمع برای مسیحیان مالابار، منز، سراسقف گوا فوق تعصب عمل کرد. مجمع، با وجودی که بعدها بی اعتباری اش ثابت شد، تأثیری ماندگار بر نیایش و نظام نیایشی مالابار بر جای نهاد.

است، جائی که در واقع دانشجویان را باید با رسومات محلی آموزش داد. اما معرفی رسوم به آنها خوب است «زیرا با ایمان واقعی سمیناری و آموزه های رومی مبشرین می توانند آنان را از رسومات سربانی دور سازند».

۴) مسیحیان تومائی از خوردن گوشت در روزهای جمعه و چهارشنبه خودداری می کنند، اما روزهای یکشنبه گوشت می خورند.

۵) آنها روز را از ابتدای شب محاسبه می کنند و روز روزه داری از هنگام غروب آفتاب شروع می شود. بنابراین سه شنبه شب و پنج شنبه شب آنها نمی توانند گوشت بخورند، اما چهارشنبه شب و جمعه شب می توانند. و به همین صورت یکشنبه شب نیز مجاز به کار کردن هستند. مبشرین در تمام این امور از رسوم رومیان پیروی می کنند. «من نمی دانم که آیا این برای تذهیب اخلاق است یا احتراز از ناطاعتی مذهبی».

۶) کشیشان و دانشجویان نماز الهی را به صورت دستجمعی برپا می کنند با وجودی که دور از کلیسا زندگی می نمایند. اگر این کار توسط هیئت بشارتی نیز به همین صورت انجام شود، مردم تذهیب اخلاق خواهند شد. عجیب نیست که مردم نسبت به خادمین خود ارزش بیشتری قائل هستند تا نسبت به ما.

۷) «برای ما، زبان سربانی یک مسأله است» در هنگام خواندن نماز الهی در کلیسا همراه با دیگران، همین طور نیز در برگزاری مراسم نماز، عروسی و تدفین.

۸) «برگزاری اعیاد آنها در نظر ما کاری آسان است، همین طور هم

تعیین نمود، بدون توجه به این واقعیت که کلیسای مالابار فقط نظام قرائت کننده، شماس یار، شماس و کشیش را دارد. مجمع دستور داد که ازدواج می بایستی فقط در کلیسا صورت پذیرد.

قاعده و انتظام توبه بر محور توبه شخصی متمرکز بود. در این رابطه توبه و طلب بخشایش در ملأ عام که هنوز هم به نوعی در مالابار وجود داشت به سادگی کنار گذاشته شد. اعتراف قبل از مشارکت (در نان و جام) به صورت قاعده در آمد. قانون اقرار سالانه توسط مجمع در نارضایتی مسیحیان مالابار به اطلاع عموم رسید.

در مخالفت با وظیفه سنتی خواندن نماز الهی به صورت دستجمعی، مجمع وظیفه جدی قرائت نماز در خلوت را به عهده خادم قرار داد تا آنها آن را به صورت دستجمعی قرائت نکنند.

قوانینی وضع شدند تا کشیدن علامت صلیب همان گونه که رومیها انجام می دهند انجام شود. از شانه چپ به شانه راست. مجمع دستور داد از مجسمه ها، از ردای کتانی سفید هنگام انجام مراسم نماز، و از آب مقدس به همان طریقی که در نیایش رومی است استفاده کنند. مجمع همچنین مایل بود تا مراسم نیایشی کلیسای مالابار را کوتاه تر کرده و به رسم خالص رومی در آورد، با وجودی که متن قُربانا سریانی شرقی بود، زیرا ایده استفاده از ترجمه سریانی نماز رومی با مخالفت شدیدی روبه رو شده بود. برای احتراز از رعایت «خرافات» احتمالی هندوها، مجمع دستور ممانعت از چندین رسم محلی که در واقع ربطی به ایمان مسیحی و نیایش بر طبق آن را نداشتند، داد.

مجمع که به نسطوریانیسم در کلیسای مالابار مشکوک بود، بیانیه هائی را فرموله کرد با این هدف که آنها را به طرح و الگوی رومی خلاصه کند. به این جهت، استفاده از بعضی کتب سریانی محدود گردید و بعضی حتی سوزانیده و نابود شدند.

مجمع پیشنهاد کرد که نماز رومی به زبان سریانی ترجمه شود تا در کلیسای مالابار مورد استفاده قرار گیرد. این موضوع با مخالفت شدید روبه رو شد و بنابراین متن «قُربانا» (Qurbana) همچنان حفظ گردید، اما به کشیشان اجازه داده شد تا از نمونه سریانی مراسم نماز رومی که برای ایام هفته و کوتاه تر بود استفاده کنند.

برخی اصلاحات و تغییرات در متن قُربانا داده شد. شرح مراسم مذهبی به طور کلی همانی بود که قانون روم می گفت. اعتقادنامه از کتاب نماز و دعای رومی برای قُربانا ترجمه شد. نیایشها نیز از کتاب نماز و نیایش رومی بود، همانند « خداوندا من لایق نیستم ... » (Domine non sum dignus)، و «بره خدا» (Agnus Dei) که به قُربانا اضافه شد. لباس رسمی کشیش و متن قُربانا تماماً رومی بودند. تقویم نیایشی کلیسای رومی جایگزین تقویم سریانی شرقی گردید.

نظام نیایشی در رابطه با رازهای مقدس را با کلیسای رومی همگام ساختند.

بنابراین سن فرد تعمیدخواسته، مکان تعمید و شیوه برگزاری (Viati-cum) «عشای ربانی برای فرد در شرف موت» تثبیت گردید که از قاعده رومی زمان پیروی می نمود. آئین مذهبی تأیید را می بایستی به عنوان آئینی جداگانه برگزار نمود و نه با تعمید، آن طور که رسم و عادت شرقیها بود. مجمع، نظامهای خدمت روحانی را آن گونه که در حوزه پاپی روم رسم بود

۴- متن قُربانا در مجمع دیامپر

هیچ متنی از کتاب نماز و دعا آن گونه که در مجمع بازنگری شده به دست ما نرسیده است. تنها طریق به دست آوردن متن قُربانا در دیامپر تفحصی در کتاب اعمال مجمع و نسخه لاتین قُربانا است که احتمالاً گووآ بر اساس اعتقادنامه های مجمعی و کتابهای نماز و دعای یافت شده در مالابار، ترکیب نمود. کونولی در مطالعه ای مقایسه ای از متن گووآ با ترجمه انگلیسی سریانی شرقی قُربانا، ثابت کرد که قُربانای مالاباری حتی پس از بازنگری در دیامپر عمدتاً سریانی باقی ماند.

مجمع از برخی آنافوراها که در کلیسای مالابار مورد استفاده قرار می گرفته آگاه بوده و در واقع علاوه بر آنافورهای آدای و ماری، تئودور نسطوریوس، و دیودور به سه آنافورای دیگر اشاره می کند، اما در عین حال استفاده از هر آنافورا به جز آنافورای آدای و ماری را ممنوع نموده است.

مجمع همچنین استفاده از ترجمه سریانی نماز رومی را به دلیل کوتاه تر بودن آن و سهولت استفاده در برگزاری مراسم روزانه نیایشی پیشنهاد نمود (قانون ۱۲۳).

تغییرات در قُربانا

تغییرات در متن قُربانا که توسط مجمع مقرر شده به چهل عدد می رسد. و عبارتند از: شش تغییر در مناجات، هفت تغییر در سرودها یا تسبیح و تمجیدها، چهار تغییر در قاعده و دستور متعلق به شماس و یکی در جوابیه مردم، یک تغییر در متن درس انجیل، یک عدد در رابطه با تمام اعتقادنامه. در نیایش کشیش، پنج تغییر در بخش قبل از آنافورا، چهار

۳- متن قُربانا و (مجمع) دیامپر:

یک بررسی دقیق

با وجودی که آشکار است که کلیسای مالابار در زمان برگزاری مجمع دیامپر از قُربانا سریانی شرقی استفاده می نموده، اطلاعات چندانی درباره متن دقیق آن در دسترس نیست. از اعتقادنامه مجمع دیامپر مشخص می تواند از طریق توضیح بر اصلاحاتی که در مورد متن کامل یا قسمتی از آن که بر اساس آن کار می کردند، دستور داده شده بود درباره زمان مجمع ایده هایی به دست آورد.

در تحقیقی با عنوان «اقدام منزز درباره نیایش مالابار» توسط «کونولی» (R.H.Connolly)، بدون شک ثابت شده است که نحوه نیایش قبل از برگزاری دیامپر را می توان از طریق اعتقادنامه های مجمع ردیابی نمود، و آن نیایش سریانی شرقی بوده است، با وجودی که متفاوت بوده و در بعضی موارد نیز از نیایش استاندارد نسطوری اقتباس شده بوده.

با مقایسه متون دیامپر با چند متن از نسخه نیایش سریانی شرقی رسولان: داگلاس وب نشان داده است که متونی را که مجمع بر روی آنها کار می کرده و در دوران قبل از برگزاری مجمع نیز در کلیسای مالابار استفاده می شده یک متن سریانی مرکب بوده است «حاوی ویژگیهای فراوانی که در نسخ معمولی یافت نمی شود»، و بخشهای آن عمدتاً به شباهت نسخه نوع القوش (Alqosh) ترکیب یافته بوده.

و شراب پرتغالی خالص (قانون ۱۲۶). مجمع همچنین دستور داد که از سنگهای تقدیس شده مذبح و چراغدانهایی از جنس فلزی ارزشمند استفاده شود.

در جواب مردم «باشد که مسیح نیایشهای تو را بشنود»: مجمع اصلاحاتی از Te Igitur رومی: «et omnibus orthodoxis atque catholicae et Apostolicae Fidei cultoribus» به جا آورد (قانون ۱۱۷).

مجمع در سنت تقسیم کردن (نان مقدس)، موردی از بی دینی و توهین نسبت به مقدسات «کشف» نمود. پس از شکستن نان به دو قسمت، کشیش آن قسمت را که در دست راست است در جام فرو برده و با آن قسمتی را که در دست چپ دارد نشانه گذاری می کند. سپس هر دو قسمت را با هم در دستهای خود نگاه می دارد و برای آن که قسمتی از نان دست راست که خیس شده جدا نشود، آن قسمت خیس شده را به نان در دست چپ می چسباند. مجمع این را به عنوان تعمقی از ایمان نسطوری تلقی نموده، که بر حسب درک منز، به این مفهوم بوده که جسم مسیح حاوی خون نیست (این آشکارا بی اساس است). مجمع با این تصو که کشیش با فشار دادن قطعه نان مرطوب شده به قطعه دیگر، تلاش بر وارد کردن خون به درون جسم می نماید، انجام چنین مراسمی را ممنوع ساخت (قانون ۱۲۲).

روایت بنیانگذاری

واقعیت کاملاً شناخته شده ای است که روایت بنیانگذاری در نسخه های اولیه آنافورای آدای و ماری ذکر نشده است. مجمع دیامپر (۱۵۹۹) با وجودی که درباره روایت بنیانگذاری صحبت می کند که در آنافورای آدای و ماری در زمان برگزاری مجمع مورد استفاده بوده (قانون ۱۱۰ -

تغییر در دوران آنافورا و یازده تغییر در چهار هوتامه (huthame) (برکت دادن نهائی) متغیر.

بسیاری از تغییرات با توجه به وحدت اصول آموزه ای صورت گرفته اند. بدین سبب پانزده عدد از تغییرات در رابطه با نامهای اشاره به مسیح است. این اقدام حفاظتی بر علیه نسطوریانیم بود: عناوین ساده همانند عیسی مسیح، و پسر خدا را به عناوینی طولانی تغییر داده بزرگ نموده بودند همانند «عیسی مسیح پسر او و خداوند ما». به همین شیوه عنوان «مادر مسیح» با اشاره به مریم، به «مادر خدا» تغییر یافته بود. چهار تغییر در رابطه با جایگزینی نام پاتریارک کلدانی با نام پاپ صورت گرفته بود.

سبک نیایشی نامیدن نان و شراب به عنوان جسم و خون مسیح می بایستی رها کرده شود همین طور نیز نامهای نسطوریوس، تئودور و دیودور می بایستی از مراسم بزرگداشت حذف می گردید. در اعتقادنامه، قانون ۱۱۶ دستورافزودن جمله ذیل، -Deum de Deo Lumen de Lumine, Deum verum de Deo vero «خدا از خدا، نور از نور، خدای راستین از خدای راستین» و جایگزینی filius essentiae Patris (Isya) «جوهره (ذات) پدر» با consubstantialem Patris (Kyana) «هم سرشت [لاتین] با پدر» داده شده بود. در واقع کلمه سربانی بارکیانا (bar kyana) با کلمه homoou-sios (هم سرشت [یونانی]) هم معنی می باشد. نتیجه خالص این تغییرات این بود که آن را در اعتقادنامه در کتاب نماز و دعای رومی ساده تر کنند. به پیروی از قوانین نیایشی رومی از زمان برگزاری مجمع خادمین پائین تر از شماس اجازه نداشتند نان و جام مقدس را لمس نمایند (قانون ۱۲۴)، همچنین این افراد نمی بایستی از جامه سفید مزین به حمایل استفاده کنند (قانون ۱۲۶). نان برای عشای ربانی می بایستی از آرد خالص گندم باشد،

۳) «و این برای تو التزامی خواهد بود برای همیشه».

متن ماریوسف در ابتدای روایت بنیانگذاری حاوی بیان مشخصه رسوم شرقیهاست، جمله «در شبی که می بایستی به او خیانت می شد» را در متن دیامپر حفظ نکرده اند.

جمله «و این برای تو التزامی خواهد بود برای همیشه»، توسط دیامپر به «و این برای ما التزامی خواهد بود تا انقضای جهان» تغییر یافته بود زیرا «التزامی» که به ما داده شده تا آن زمان خواهد بود که ما از خداوند دور هستیم.

در متن دیامپر روایت بنیانگذاری پس از نیایش طلب روح القدس و قبل از شکستن (نان) داده شده. جای آن بیرون از آنافوراست. در متن ماریوسف، دستورات نماز نشان دهنده آن است که این در پایان شکستن (نان) گفته می شود. این نیز خارج از آنافوراست.

ممکن است که قبل از دیامپر هم، احتمالاً در مجمع آنگامالی که توسط ماریوسف در سال ۱۵۸۳ برپا شد و قربانا را بررسی نمود، روایت بنیانگذاری به جایی جلوتر مثلاً به قبل از شکستن (نان) برده شده باشد.

نیایش طلب نزول روح القدس

مجمع دیامپر نسبت به نیایش طلب نزول روح القدس بسیار حساس بود. در آنافورای آدای و ماری هیچ اشاره ای به تبدیل نان و شراب به وسیله روح القدس نیست. در واقع دیامپر آن را اصلاح نکرد، بلکه به سرایش سرود پرداخت، «هنگامی که کشیش وارد قربانگاه می شود، در هنگام شکستن نان، (در سرودی) از روح القدس تقاضا می کند که از آسمان نزول نماید و نان و شراب را تقدیس کند». ظاهراً مجمع این سرود

۱۰۹) اما هیچ گونه اطلاعات خاصی درباره منبع این مراسم مذهبی نمی دهد.

در مطالعه ای درباره «نیایش مالابار»، بورکیت اشاره می کند که اسقفان کلدانی که از بین النهرین آمده بودند مسؤول این اضافات هستند، زیرا آنها متون نیایشی را «به میل» خود تغییر دادند. به گفته بورکیت، این اضافات «پس از احیای نسطوریانیسم در سال ۱۴۹۰» توسط یک اسقف انجام شد. این عقیده بر اساس پیشنهاد گووا (۱۶۰۶) قرار دارد.

در سال ۱۹۴۴ آلفونس راس، برگ ۱۰۱ از دست نوشته سربانی واتیکان، شماره ۶۶ (MS.Vat.Syr.66)، از ماریوسف (۱۵۶۶) را ارائه کرد که در آن در ابتدای نیایش رسولان یک روایت بنیانگذاری نوشته شده است.

مجمع در بررسیهای خود درباره روایت بنیانگذاری، اظهار می دارد که *verba - consecrationis* «کلمات کشیش هنگام تقدیس کردن» می باید همانی باشد که در کتاب نماز و دعای رومی است. یک مطالعه قیاسی از متن دیامپر با متن ماریوسف و کتاب نماز و دعای رومی می تواند روشنگر رابطه و شباهت آنها با یکدیگر باشد. هر دو متن ماریوسف و دیامپر ویژگیهای مشخصی از قانون رومی را دارند:

۱) «در روز قبل از تحمل درد و رنج او»؛

۲) حذف عبارت «که برای شما پاره می شود»؛

۳) «و جام را قدری بالاتر از مذبح بلند می کند»،

۴) پیمانانه خون من.

در عین حال، ماریوسف و دیامپر ویژگیهای خاص خود را دارند:

۱) عبارت «در حقیقت»، در تقدیس نان و شراب دیده می شود؛

۲) جای «و هرگاه که شما از این نان بخورید و از این جام بنوشید...».

سریانی بود. در معرفی نمازهای جدید برای اعیاد او ساختار نیایش سریانی شرقی را حفظ کرد، حتی هنگامی که محتوای آن از نیایشی رومی به عاریت گرفته شده بود.

با وجودی که رز مراسم رومی برای تعمیر برقرار کرد، تعمیر به طریق فرو رفتن در آب را که در مالابار مرسوم بود پذیرفت. رز اصول قانونی که در دیامپیر برقرار شده بود را با جزئیات آن مشخص کرد و بنابراین توصیفی دقیق از حوضچه آب تعمیر و اقرار و نیز از مراسم مشارکت در شام خداوند، که حتی توسط دیامپیر مورد بحث قرار نگرفته بود، ارائه نمود. البته مراسمی که توسط رز داده شد به طور خاصی رومی بود.

۵- اسقف رز و متن قربانا: جزئیات

روایت بنیانگذاری وارد جزئیات مربوط به قربانا نشد، مگر در مورد مشارکت در شام خداوند. برای بقیه، تصمیمات مجمع دوم آنگامالی (۱۶۰۳) را ارائه داد.

۴۴۷. درباره برگزاری مراسم قربانا و درباره کشیشانی که آن را برگزار می کنند:

۴۵۲. سردرگمی بسیاری در حوزه اسقفی وجود دارد زیرا که کشیشان مراسم قربانا را به شیوه های مختلفی برگزار می کنند. بنابراین قربانا، آن گونه برگزار خواهد شد که ما در مجمع دوم آنگامالی دستور دادیم، اگر کشیشان هر روزه این را انجام ندهند آنها قربانا را برگزار نخواهند نمود:

۴۷۲. خادمین پایین تر از شماس نباید جامه سفید مزین به حمایل در بر کنند. کسانی که پائین تر از شماس یار هستند نباید جام و بشقاب حاوی نان عشای ربانی را لمس نمایند...»؛

را به عنوان نیایش طلب نزول روح القدس درک نمود. موقعیت این سرود، که در میان سروده های تقسیم (نان) بلافاصله پس از روایت بنیانگذاری می آید، به حمایت از چنین نتیجه گیری تمایل دارد.

از زمان دیامپیر: اسقف رز

از زمان منرز، سر اسقف گوا، که مجمع دیامپیر را برگزار نمود، اعلام بیانیه های مجمعی وظیفه سر اسقف رز گردید که چند ماه پس از مجمع در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۵۹۹ به رهبری کلیسای مالابار برگزیده شد. رز از سال ۱۵۸۴ در هندوستان اقامت داشت، او زبان مالایالام که زبان محلی، سریانی و زبان نیایشی بود را به خوبی می دانست و چون با منرز برای موفقیت مجمع همکاری نزدیک داشت و در میان مسیحیان مالابار به نیکویی مشهور بود به سادگی از عهده انجام وظیفه خود برمی آمد.

قوانین قلمرو اسقفی اعلام شده توسط اسقف رز (اولین اسقف لاتین مسیحیان تومائی) در سال ۱۶۰۶ یک کد قابل درک از مقررات حوزه اسقفی بود. او در سال ۱۶۰۳ در مجمع آنگامالی، یک کتاب نماز و نیایش آماده ساخت و چندین فرمان از مجمع را در آن وارد نمود. رز که اصولاً موافق رومی شدن نیایش مالابار بود در همه مسائل با منرز توافق نداشت. نظریه محکوم کننده منرز نسبت به سنت های محلی در این قوانین آشکار نبود. با وجودی که رز نیایش را رومی کرد، قوانین این گمان را به وجود می آورند که او این کار را نه برای ریشه کن کردن نیایش سریانی شرقی، بلکه به منظور درمان سستی نظم نیایشی کلیسا انجام داد. با معرفی رسوم رومی در سریانی، او مسیحیان مالابار را تحت تأثیر قرار داد، با این درک آشکار و حسن نظر نسبت به سنت های آنان که برای بسیاری شامل زبان

سرود لاکومارا (Laku mara)

| | | |
|------------|---------------------------------------|-----------|
| و تیسایگون | ۲۹۵ | |
| ۱۱ J. | نیایش قبل از قرائتها | |
| ۱۲ J. | قرائتها | |
| K. | اعتقادنامه | |
| ۱۳ L. | نیایش ایمانداران | ۲۹۶-۳۰۴ |
| ۱۵ M. | آماده سازی تقدیمها | ۳۰۰-۳۰۱ |
| ۵-۱۶ N. | مرخص کردن ناشایستگان | |
| ۱۶ O. | تقدیس نان و جام قبل از تقدیم به جماعت | ۳۰۱ |
| ۱۷ P. | سرود دستجمعی تقدیس نان و جام | |
| | قبل از تقدیم به جماعت | ۳۰۲-۳۰۳ |
| | (ادامه می یابد) | |
| Q. | | ۳۰۴-۳۰۵ N |
| R. | | ۳۰۵ I |
| S. | | ۳۰۵-۳۰۷ j |
| T. | | k |

۳۰۷ نظم (A,B,C,D و غیره) در جدول بالا کمک به درک این مطلب می کند که چگونه در متن دیامپر، قرائتهای (I,J) و اعتقادنامه (X) پس از تقدیس نان و جام و قبل از تقدیم به جماعت (O,P) می آید. ترخیص ناشایستگان (N,Q) جای خود را در متون تغییر داده اما سنت مرخص کردن در آن زمان منسوخ بوده و بنابراین از اهمیت چندانی برخوردار نبود.

جای قرائتها در متن دیامپر توسط کونولی، کورینگتون، و وب مورد

۴۷۷. با آگاهی از این که این نتیجه بی توجهی بسیار بزرگی است نسبت به نوشته های رسولان و انجیل پس از تقدیم نان و جام، تمام کشیشان باید قُرَبانا را همان گونه که در تکشای ما نوشته شده برگزار نمایند.

این واقعیت که «نسخه متناام از قُرَبانا که در مجمع آنگامالی آماده شده» باقی مانده است، برای این تحقیق مفید است. این نسخه حاوی متن قُرَبانا و دستورات نماز برای برگزاری بسیار موقرانه قُرَبانا که رازا خوانده می شود، می باشد. متن قُرَبانا با این نیت نوشته شده بوده که نیایشی یک دست به وجود آورد و سردرگمی موجود فعلی را از بین ببرد. این کتاب نماز به عنوان تنها کتاب اصیل برای استفاده ارائه می شود.

موضوع خاصی که دستورات به آن پرداختند اصلاحی بود در متن قُرَبانا در مجمع دیامپر که به وضعیت قرائتها مربوط می شد. مطالعه ای مقایسه ای در قسمت اول متن دیامپر با متن رزی این مطلب را روشن خواهد کرد:

| متون رزی | متن دیامپر |
|----------|----------------------------|
| صفحه | صفحه |
| ۸ A. | در نام پدر |
| B. | فرامین تو |
| C. | جلال بر خدا در اعلیٰ علیین |
| D. | پدر ما |
| ۹ E. | نیایش قبل از مزمور خوانی |
| F. | مزامیر |
| ۱۱ G. | تبرک بخور |
| H. | هم خوانی سرود مذبح |

یکی از نسخه‌ها را داشته باشد. او ممکن است نظام قُرَبانا را آماده کرده و از تکرارها پرهیز نموده باشد و نتیجه آن این شد که ما در متن دیامپیر می‌یابیم. امکان استفاده از چنین نسخه‌ای را باید تصدیق کرد، اما وب نمی‌گوید که چرا چنین تکرارهایی در نسخه فوق‌الذکر رخ داده است.

در قسمت دوم نسخه مَنانام (صفحات ۶۰-۵۹)، رُز دستورات نماز را برای آماده‌سازی جهت برگزاری مراسم «راز» (Raza) داده است:

راز را باید در اعیاد مهم و یکشنبه‌ها در کلیساهایی که به اندازه کافی کشیش و خادم در اختیار دارند برگزار نمود. برای این منظور باید کشیش، شماس، شماس یار و حداقل چهار خادم در مسؤولیتهای جزئی تر وجود داشته باشند. از اینها، دو نفر باید لباس شماسی بپوشند و دیگران جامه سفید بلند بر تن نمایند.

در سمت راست مذبح می‌باید میزی باشد با دو شمع روی آن و کتابی حاوی «کریانا» (Keriana) (قرائتهای عهد عتیق) که مجموعه حاوی رساله‌ها روی آن قرار می‌گیرد. کتاب انجیل می‌باید جداگانه روی مذبح باشد.

در حالی که همه آماده هستند، نماز شروع می‌شود. یک شماس و یک شماس یار در سمت چپ و راست برگزارکننده و قدری عقب‌تر از او می‌ایستند. سایر خادمین زانو می‌زنند...

در قسمت اول نسخه جایی که متن ساده قُرَبانا داده شده، دستورات نماز رومی هنوز برقرارند. و در قسمتی دیگر نوشته شده که کشیش، در حالی که به سوی مذبح پیش می‌رود باید کلاه چهارگوشی بر سر داشته باشد.

دستورات نماز رازا حاوی سایر مراسم خاص رومی است. توصیه شده که برگزارکننده مراسم انجیل را به طور خصوصی بخواند در حالی که

توجه قرار گرفته و آنها حدس زدند که یا نسخه سریانی که گووآ از روی آن ترجمه لاتین را تدارک دید، یا نسخه ترجمه لاتین او به طور تصادفی جابجا شده بودند، که موجب ایجاد بی‌نظمی در متن چاپی گردیده بود. کونولی ثابت کرد که این بی‌نظمی نتیجه تغییراتی نبوده که توسط مجمع دیامپیر پیشنهاد شده است.

در مطالعه ای بعدی، وب متن گووآ را با سایر نسخ موجود مقایسه کرد و نشان داد که متونی هم وجود دارند که چنین بی‌نظمیها در آنها دیده می‌شود. و اشاره نمود که متن گووآ باید بسیار راحت‌تر با نظم نسخه دست نوشته موجود در موزه بریتانیا، شماره ۷۱۸۱ (۱۵۷۰ میلادی)، قابل انطباق باشد. نسخ موجود در کمبریج شماره ۲۰۳۵ (۱۶۸۶ میلادی) و ۱۹۸۴ (۱۷۰۷ میلادی) که گروهی خاص را تشکیل می‌دهند، دارای تکرارهایی در نظم قسمت اول قُرَبانا هستند.

سرود لاکومارا و تریساگیون (H)

تقدیس نان و جام قبل از تقدیم به جماعت (O)

اعتقادنامه (K)

سرود لاکومارا و تریساگیون (H)

قرائتها (J)

نیایش ایمانداران (I)

تقدیس نان و جام قبل از تقدیم به جماعت (O)

سرود دستجمعی تقدیس نان و جام، ادامه دارد (P)

مرخص کردن ناشایستگان (N)

سرود دستجمعی تقدیس نان و جام (O)

وب اظهار می‌دارد که گووآ ممکن است هنگام آماده کردن ترجمه کپی

بیمارزد و به شما زندگی جاودان عطا فرماید. آمین. باشد که خداوند قادر مطلق و پررحمت بر شما شفقت کند، و آمرزش و بخشایش گناهانتان را عطا فرماید. آمین».

معاون باید آنها را با علامت صلیب، «رُشما» (rusma)، تبرک دهد. شماس پاسخ دهد، آمین.

۶- تأثیر تغییرات نیایشی دیامپر و اسقف رُز در نیایش مالابار طی چهار قرن بعدی

اصل لاتینی شدن در مجمع دیامپر مورد تصویب قرار گرفت و اسقف رُز آن را به طور رسمی در مورد مراسم نیایشی کلیسای مالابار به اجرا گذاشت. سه دلیل برای پذیرفتن اصل لاتینی شدن می توان ذکر نمود: ترس از بدعت گذاری در متون نیایشی شرقی؛ این ایده که نیایش شرقی به دلیل عدم دلبستگی و وقف غربیها در قرون وسطی ناقص است؛ و این تفکر که نیایش «لاتین» (که برای آنها رومی بود) ایده آل و بدون عیب است. تمام این دلایل در کلیسای امروزی مالابار یافت می شوند. بدین سبب ارزشمند خواهد بود اگر حوادث مهم در تاریخ نیایش مالابار را از دوران رُزی - دیامپری (Diamper - Rozian) به بعد به صورت تسلسل تاریخی مورد مطالعه و بحث قرار دهیم و فعالیتهای اشخاص مهم را که تأثیر بسزایی در نیایش بعدی مالابار گذارده اند بررسی نمائیم.

شماس انجیل را با صدای بلند می خواند. شماس، قبل از خواندن انجیل، دست راست بر گزارکننده را می بوسد.

از خادمین نیز درخواست شده که در حین قرائتهای اول و دوم روی پله های مذبح بنشینند.

مشارکت مقدس

دستورات توصیف با جزئیاتی از نماز مشارکت در درون رازا عبارتند از:

r ۳۶ (a) چگونه معاونین باید مشارکت (در نان و جام) را به مردم عادی بدهند:

پس از اطلاع از تعداد جماعت مشارکت کننده، معاون تعداد تکه های لازم نان را در جام یا در سینی قرار می دهد.

r ۳۶ (b) وقتی جماعت برای مشارکت نزدیک می شوند، بر حسب سنت محلی مردان باید در قسمت شمال و زنان در قسمت جنوب زانو بزنند.

r ۳۷ (C) قبل از مشارکت ایمانداران، کشیش باید به آنها تعلیم دهد:

کسانی که قبلاً آئین مقدس اعتراف را دریافت نکرده، و یا به توبه و طلب بخشایش که در اعتراف به آنها داده شده عمل ننموده اند، در صورت مشارکت (در نان و جام) به جهنم خواهند افتاد...

بنابراین فقط آنهایی که به گناهان خود اعتراف کرده اند (به طرز مناسب) می توانند نان و جام دریافت دارند.

r ۳۷ (d) شماسان و مشارکت کنندگان باید به گناهان خود اعتراف نمایند. سپس معاون باید با دستهای گره کرده رو به سوی آنان نموده برای آنان (دستورالعمل) بخشایش گناهان را تکرار نماید.

r ۳۸. «باشد که خدای قادر مطلق بر شما ترحم فرماید، گناهانتان را

(super Correctionem Liprorum Ecclesiae Orientalis) برای اخذ تصمیم ارسال نمودند. کاردینال آنتونلی، یکی از مشاورین این اجتماع، پیشنهاد کرد که کتاب نماز و نیایش کلدانیها را که در آن زمان در حال چاپ آن بودند (۱۷۶۷) در دسترس کلیسای مالابار قرار دهند. این به علاوه به دلیل جلوگیری از متهم نمودن مقام پاپ به محروم کردن کلیسای مالابار از میراث شرقی خود بود. این اقدام اگر اعمال شود می تواند جوابی باشد به تقاضای مجمع دیامپر (قانون ۲۶۷) از پدر مقدس مبنی بر تهیه کتاب نماز و نیایش برای کلیسای مالابار. اما سایر مشاورین و اعضای کنگره این پیشنهاد را به شدت رد نمودند. و تصمیم گرفته شد که بدون آگاهی از خواسته مردم مالابار نباید کتاب نماز و نیایش کلدانی را به کلیسای مالابار داد. به عنوان نوعی مصالحه دو کپی از کتاب نماز و نیایش چاپ شده کلدانی را برای قائم مقام رسولی مالابار فرستادند و از او خواهش کردند تا در اجتماعی از کشیشان مالابار روشن نمایند که آیا کتاب نماز و نیایش کلدانی مورد قبول آنها واقع شده است یا نه.

در اجتماع کشیشان مالابار کتاب نماز و نیایش کلدانی مورد قبول قرار نگرفت. کشیشان مالابار از رُم خواستند تا کتاب نماز و نیایشی که توسط چارلز به رُم آورده شده بود را چاپ نمایند. در هماهنگی با این، یکی از نسخه هائی که توسط چارلز آورده شده بود چاپ گردید، اما به سختی می توان دریافت که کدامیک انتخاب گردید.

نسخه چاپی رومی تا کنون چندین بار تکرار چاپ شده و همان متن چاپ ۱۷۷۴ حفظ گردیده، البته با اصلاحاتی، مخصوصاً درباره قرائتها برای اعیاد جدید.

در چاپ ۱۹۴۶ کتاب نماز و نیایش، همان طور که سراسقف کانداتیل در پیش گفتار خود نوشته، سعی شده «نسخه ای صحیح از کتاب نماز و

۷- چاپ کتب نیایشی «تکشا»

تکشا سریانی - مالابار (کتاب نماز و نیایش) برای اولین بار در سال ۱۷۷۴ با تیترا لاتین، (Ordo Chaldaicus Missae Juxta Morem Ecclesiae Malabaricae Superiorum Permissu Editus) «قانون نماز کلدانی طبق آداب و رسوم کلیسای مالابار با اجازه مسوولان» در رُم به چاپ رسید. دستورالعملی برای اجتماع مقدس به منظور ترویج ایمان به قائم مقام لاتین رسولی مالابار به تاریخ سوم سپتامبر ۱۷۷۵ اشاره به این دارد که متن قُرَبانا که توسط منزز در مجمع دیامپر اصلاح شده را باید با یک ترجمه لاتین از آن به رُم فرستاد تا بتوان یک کتاب نماز و نیایش سریانی برای کلیسای مالابار چاپ نمود. چگونگی پیروی از این دستورالعمل مشخص نیست. از نسخه دست نوشته بورگیانو (Ms Borgiano) از قرن هفدهم درباره انتخاب متن برای چاپ گزارشی داریم که می توان آن را خلاصه کرد، بدین شکل:

«پدر چارلز گنراد، یک کارملیت، دو نمونه از کتاب نماز و دعای مالابار را به رُم آورد کارملیت دیگری نمونه سومی از آن را آورد. از روی اختلافات در محتوای آنها، رُم باید دریابد که کدام یک از اینها در مالابار مورد استفاده قرار می گرفته.»

برای بحث و تبادل نظر بیشتر درباره این موضوع با: آسمانی، محقق سریانی مشورت گردید. او پیشنهاد نمود که یا کتاب نماز و دعای منزز را که بخشی از آن رومی بود باید چاپ نمود یا نمونه دیگری را که توسط کشیشان مالابار مورد تأیید است. با این پیشنهاد او در واقع استفاده از نسخه های آورده شده توسط مبشرین را منتهی دانست، این پیشنهادات را به «شورای رُم جهت انجام اصلاحات در کتب کلیساهای شرق» (Congregatio

برگزارکننده مذبح را قبل از «شروع نماز» (Enarxis) و قبل از «دادن آرامش» (Pax) می بوسد. DM حاوی ارتقاء کوچکی قبل از نیایش «ای پدر ما...» (Pater Noster) است، و قبل از مشارکت برگزارکننده اضافه می کند «خداوندا من لایق نیستم...» (Domine non sum dignus).

مراسم مشارکت ترجمه ای است از کتاب نماز و نیایش رومی، اما در دستورالعمل مشارکت سریانی شرقی با عبارت «تا ابد الآباد» (ad vitam aeternam) در آخر آن حفظ گردیده که از کتاب نماز و نیایش رومیها گرفته شده. در MM دستور سجده کردن بعد از دریافت نان و شراب مقدس، پس از آیین روایت بنیانگذاری داده شده. MM حاوی فقط آنافورای آدای و ماری بود و آنافوراهاى تئودور و نسطوریوس را به کناری می گذاشت، بر طبق بیانیه های دیامپیر (قانون ۱۲۱). هیچ پیش بینی برای نیایشهای صحیح از قربانا در آن وجود نداشت: مزموه اولیه، سرود سرزنشها، آیات مزامیر مابین قرائتها و سرود رازها که در هنگام اجرای مراسم تقدیمی و حرکت دست جمعی خوانده می شد و نیز سرودهای مشارکتی. تا همین اواخر اوضاع به همین منوال باقی ماند تا دعاهای شایسته (در سال ۱۹۶۸) به آن اضافه گردید.

قبل از مشارکت، MM نیایشهای «مبادا که جسم تو، خداوندا...» و «بدنهای ما را تطهیر و تقدیس کن...» که هر دوی آنها اضافاتی از سال ۱۷۷۴ هستند، دارد. DM به جای آنها «خداوند خدای من، من لایق نیستم...» را دارد.

چندین نیایش از DM در MM حذف شده. بنابراین نیایش «پوششی از نور» (Amictus lumine...) در حالی که روی تقدیمی نان و جام پس از تقدیم پوشانیده می شود گفته می شود؛ «خداوندا دست راست خود را دراز کن...» پس از مزامیر؛ و «به سوی تو من بلند کرده ام...» بعد از شکستن (نان)؛ دعوت شماس: «خدای زنده را ستایش کنید» و جوابیه آن

نیایش ما با هماهنگی نزدیک با نسخه چاپی رومی (۱۷۷۴) تهیه گردد». به دلیل دسترسی آسان، در مطالعه ما به نیایشهای کتاب نماز و نیایش این نسخه چاپی اشاراتی خواهد شد.

در نسخه چاپی ۱۷۷۴ چندین نیایش که در قربانای سریانی شرقی وجود نداشت اضافه شده است:

- ۱) «پدر حقیقت».
- ۲) تبرک نهائی به احترام مریم باکره
- ۳) نیایش خداحافظی با مذبح:
- ۴) چهار هوتاما (تبرک نهائی) دیگر
- ۵) Agnus Dei (بره خدا) قبل از ارتقاء جزئی
- ۶) دو نیایش قبل از این که برگزارکننده جام را دریافت کند
- ۷) سه نیایش بعد از مشارکت (در نان و جام)

سه نیایش اول از کتاب نماز و نیایش مارونیها گرفته شده است. حضور این نیایشهای مارونی ممکن است به دلیل نفوذ آسمانی باشد که به عنوان مشاور در کمیته ای خدمت می نمود که کتاب نماز و نیایش مالاباری را تنظیم می نمودند.

نماز منزز (Menezian Mass=MM) حاوی چندین اختلاف است. در این نماز برگزارکننده باید با کلاه چهارگوش مخصوص کشیشان به مذبح وارد شود، و خادم باید تکشا را حمل کند. در نماز دیامپیر (Diamper Mass=DM) خادم باید پیش از برگزارکننده برود و بخورسوز را تاب دهد. قربانا در MM، با «در نام پدر...»، و در DM با اعلام «جلال بر خدا در اعلی علیین» شروع می شود.

MM از حالت رومیها در برکت دادن شماس در برابر انجیل تقلید می کند، DM چنین دستورهای نمازی را نمی دهد. در MM بر خلاف DM،

نیایش رومی بود، از مراسم مربوط به: چهارشنبه خاکستر، یکشنبه نخل، پنج‌شنبه مقدس (شستن پای شاگردان)، جمعه درد و رنج و «نماز شمع» (Candle mass) در دوم فوریه.

نماز قبل از تقدیس از کتاب نماز و نیایش رومی ترجمه شد اما «یادآوری فرامین» (Praeceptis salutaribus moniti) با دعائی مشابه قربانا سریانی، «ما را لایق بگردان...» جایگزین شد.

کتاب نماز و نیایش همچنین حاوی متنی برای باوقارترین قربانا که رازا خوانده می‌شود می‌باشد. این علاوه بر قربانا ساده شامل نیایشها و مراسمی نیز بود.

مراسم عبادی

ترجمه سریانی برخی از «مراسم رومی» (Rituale Romanum) در سال ۱۷۷۵ در رم به چاپ رسید که حاوی مراسم تعمید، اقرار، تدهین و نیز ترجمه‌هایی از سایر «مراسم رومی» بود، همانند دستورالعملهایی جهت تبرک آب مقدس، مکان، شمع، غذا، مجسمه‌ها و شمایلها.

۸ - کوریاکوس الیاس چاوارای مقدس

پدر متبارک چاوارا (۱۸۷۱) اولین رئیس صومعه کارملیتهای مریم بی‌عیب و مقدس (C.M.I.) بود، که اجتماعی محلی از ایمانداران را تشکیل می‌داد. او با سراسقف برناردین (۱۸۶۸) و لئونارد (۱۸۹۸) رابطه‌ای نزدیک داشت. این چاوارا بود که اولین «توکاشا» (Thukasa) دستور نماز برای برگزاری نماز قربانا در مالایالام در سال ۱۸۶۸ را آماده کرد. او هر

قبل از مشارکت گفته می‌شود، نیایش کشیش: «خون گرانبهای خداوند ما» پس از دریافت جام گفته می‌شود.

بیانیه «شورای رم جهت انجام اصلاحات در کتب کلیساهای شرق» (Congregation super Correctionem Librorum Ecclesiae, Orientalis) به تاریخ اول ژوئن ۱۷۶۶ به چهار سؤال در مورد متن چارلز جواب می‌دهد. اولین جوابیه اجازه‌ای است برای حفظ نیایشی بخصوص: «در برابر تخت پرجلال» (Coram throno)، حتی با وجودی که در کتاب نماز و نیایش رومی یافت نمی‌شود. دومین جوابیه در رابطه با نیایشی قبل از (خواندن) انجیل بود. سؤال این بود که آیا باید عبارت «تصویر پدر» (Imago genit-ricis) را به «ذات پدر» (Substantiam genitricis) تغییر داد؟ جواب منفی بود. سؤال سوم مجلس یادآوری پاپ را در یادآوری از پاتریارک یا اسقفان جهت می‌داد. آخرین سؤال درباره حفظ ارتقاء نمونه‌های تقدیس شده بلافاصله پس از ادای کلمات برگزاری مراسم بود.

در کتاب نماز و نیایش چاپ شده، تقویم سریانی شرقی با مشابه رومی آن تعویض گردید و فقط عید سوم ژوئیه (تومای قدیس)، و نیز عید ۱۸ دسامبر (تومای قدیس) و عید ولادت، هیجده روز قبل از شروع ایام انابت، به آن اضافه گردید. قرائتها همان‌گونه که در کتاب نماز و نیایش رومی بود، عموماً دو قرائت برای هر روز داشت، هرگاه تفاوتی قابل توجه در متن (پشیتا) به چشم می‌خورد این متن را با ولگات (نسخه قدیمی کتاب مقدس از قرن چهارم) هماهنگ می‌نمود. می‌باید توجه شود که هیچ قرائتی برای جشن ولادت تعیین نشده بود زیرا قرائتی بدین منظور در کتاب نماز و نیایش رومی وجود نداشتند. نیایشهای لاتین برای اعطا ترجمه شده و در کتاب نماز و نیایش چاپ شده بود.

به علاوه کتاب نماز و نیایش حاوی ترجمه سریانی از کتاب نماز و

۲) همان گونه که در نماز «کلیسای مقدس» انجام می شود، قُربانای ما نیز می تواند با قرائت مقدمه انجیل یوحنا قدیس پایان پذیرد.

۳) ما در قُربانا هر روزه بخور می سوزانیم، که با رسم کلیسای روم که فقط در روزهای یکشنبه و اعیاد از بخور استفاده می کنند مغایرت دارد. از آن جا که این برای ایمانداران رسم رومی که در مراسم قُربانای ما هم شرکت می کنند ناراحت کننده است، ما نیز بایستی از رسم رومیها در این مورد متابعت نمائیم.

نامه با تکرار این درخواست که برای تصویب موارد فوق، و کتاب نماز و نیایش سریانی که توسط چاوارا تهیه گردیده و توسط اسقف لئونارد به روم برده شده، خاتمه می پذیرد. به سه درخواست فوق جواب منفی داده شد، در حالی که کتاب نماز و نیایش روزانه کشیشان همان طور که قبلاً اشاره شد مورد تأیید قرار گرفت.

پدر چاوارا چندین عبادت دیگر در مالابار را معرفی نموده است. او هر روز هفته را به قدیسین اختصاص داد. در این رابطه روز شنبه به مریم باکره متبارک تخصیص یافت، با وجودی که نماز الهی سریانی شرقی چهارشنبه را اختصاصاً برای یادبود مریم تعیین کرده بود.

۹- سایر نوآوریها در قرن نوزدهم

در دستوراتی که به کلیساهای سریانی حوزه اسقفی کرانگانور در ششم فوریه ۱۹۶۸ از مقرر کلیسائی گاورنادور داده شد، مقرر گردیده بود که کشیش باید در حین انجام مراسم نیایشی جوراب و کفش به پا کند. در سال ۱۸۴۴ نسخه دوم چاپی کتاب نماز و نیایش ۱۸۴۵ درباره رازهای

آنچه از مراسم رومی را که مقدور بود پذیرفت و از مراسم «آیین عشای ربانی» (Ritus Servandus in Celebratione Missae) که در ابتدای کتاب نماز و نیایش رومی پیوس پنجم در سال ۱۵۷۰ داده شده است تبعیت نمود. چاوارا تقویم کلیسایی را با اعیاد رومی تهیه نمود و به هر یک رنگی از لباس رسمی اسقفان را اختصاص داد.

چون کتاب نماز روزانه کشیشان حاوی نمازهای اعیاد نبود او یک سری نماز شبانه برای اعیاد مهم آماده ساخت. در این راه همانند اسقف رز از ساختار سریانی شرقی پیروی نمود، اما با قدری اصلاحات آنها را رومی کرد. بدین سبب «خداوند با تو باشد» (Dominus vobiscum) را به جای جمله سریانی شرقی «صلح با تو باشد» (slamma amakom)، و نیز «مسیح، خداوند ما» (per Christum Dominum nostrum) را به جای جمله اختتامی «خداوند همگان تا ابدالآباد» و یا «خداوند همگان، پدر، پسر و روح القدس تا ابدالآباد» معرفی گردید. «شروع» (incipit) رومی نیایشها. «دعا کنیم» (Oremus) برای استفاده در سریانی شرقی نوظهور بود.

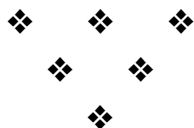
در نامه ای سریانی به تاریخ ۳۱ ماه مه ۱۸۶۱، که برای مدیر جماعت جهت ترویج ایمان فرستاده شده، چاوارا اجازه انجام برخی اصلاحات نیایشی را، که عمدتاً به منظور تطابق کلیسای مالابار با کلیسای روم بود، درخواست نمود. متن این نامه را که کپی آن در صومعه منانام نگاهداری شده می توان بدین گونه خلاصه نمود:

۱) بدین وسیله یک نسخه از ترجمه سریانی مراسم نماز شنبه مقدس کلیسای رومی را تقدیم می کنم. چون کلیسای مالابار از مراسم نماز رومی برای چهارشنبه خاکستر تا جمعه درد و رنج استفاده می کند، و چون مراسم طولانی نماز باستانی سریانی شرقی برای این روز دیگر مورد استفاده نیست، این ترجمه آماده شده است.

مقدس کلیسائی منتشر شد. این کتاب حاوی چندین آئین کلیسائی برداشت شده از «مراسم رومی» بود. سراسقف برناردین (۱۸۵۳ - ۶۸) تعداد روزها را به نه عدد کاهش داد و روزهایی را که قبل از هشتم سپتامبر و پانزدهم اوت بودند حذف نمود. نماز و عبادت‌های نه روزه کلیسا و پرستش‌های ماهیانه مریم باکره مقدس و ماریوسف، و همین‌طور انجمن برادری و اخوت باکره متبارک (Darsanam) در این دوران محبوبیت یافت، و نیایش‌های مورد نیاز از متن لاتین به زبان سریانی ترجمه گردید. خرقة سفید کشیشان از نوع غربی آن برای کشیشان رواج یافت.

سراسقف برناردین در بیانیه‌ای موارد مشخصی را درباره نظم نیایشی مقرر فرمود، بدین گونه:

- ۱) یک ربع ساعت قبل از شروع نماز در کلیسا ناقوسها به صدا درآیند.
- ۲) کشیش برگزارکننده باید در شروع مراسم نماز جام را با خود به مذبح حمل کند، و پس از اتمام نماز آن را بازگرداند.
- ۳) در پشت ردای بلند کشیشان هنگام نماز باید علامت صلیب باشد.
- ۴) رنگهای پوشش‌های نیایشی می‌باید همانهایی باشند که در لاتین می‌باشند.
- ۵) استفاده از آب مقدس باید تشویق شود.
- ۶) زنها باید در اعتراف‌گاه به گناهان خود اعتراف کنند. هر کلیسا باید حداقل چهار اعتراف‌گاه داشته باشند.



فصل چهارم

استقرار مجدد مراسم نیایشی

طی مراحل تکامل بیانیه

۱- آیین نامه اسقفی

همیشه گروه کوچکی از مسیحیان تومائی از همان ابتدا مخالف لاتینی شدن بوده‌اند. سرشماسان آنها بارها از مقام پاپ درخواست نموده‌اند که رسوم آنها را مجدداً برقرار نماید. اما پروژه رسمی استقرار مجدد در شرایطی خاص شروع گردید هنگامی که از روم درخواست شد تا در مورد لاتینی شدن همکاری نماید. این در رابطه با استقرار مجدد اسقف بود. اسقفان سریانی مالابار از روم اجازه خواسته بودند که دستورالعمل اسقفی رومی را به سریانی ترجمه نمایند زیرا در آن زمان اسقفان مالابار مراسم دستگذاری را در نماز سریانی، با استفاده از نیایش‌های لاتین و برطبق دستورالعمل اسقفی رومی به انجام می‌رسانیدند. دو زبان و دو رسم نیایشی در یک مراسم با هم ادغام می‌شدند! اسقفان از روم درخواست کردند که برای تقلیل سردرگمی تمام نیایشها را به زبان سریانی انجام دهند (۱۹۰۸ و ۱۹۳۴). با وجودی که جماعت ایمانداران شرقی مشتاق بود که کلیسای مالابار رسم اسقفی کلدانی را در سریانی بپذیرد، ترس بی‌مورد از سلطه کلدانیها موجب شد که آنها درخواست ترجمه مراسم دستگذاری رومی به زبان سریانی را بنمایند.

در واقع آنها ترجمه‌ای سریانی آماده کرده به روم فرستادند. از

عنوان: «آیین عشای ربانی در کلیسای سریانی مالابار که اصلاح و مجدداً چاپ شده است»

(Liturgia Siro - Malabarese - Revisione del Missale Siro - Malabarese - I)

ارائه داد، حاوی:

(۱) متن قُربانا،

(۲) دستورات نماز و راهنمائیها،

(۳) تذکراتی درباره امور درون کلیسا، پوششها و غیرو،

(۴) طرح و محتوای نیایشهای قابل تغییر روزهای یکشنبه و اعیاد.

این متن را برای استفاده کلیسای سریانی مالابار فرستادند و دو بار از آنها دعوت کردند تا نظریات و پیشنهادات خود را ارسال نمایند. در همین زمان اولین کمیته نیایشی سریانی مالابار در تاریخ ۴ اوت ۱۹۵۴ برپا شد. در واقع در مالابار تمایلی به برقراری مجدد وجود نداشت و هدف آنها کوتاه و بومی تر کردن مراسم بود. با وجودی که اسقفان نگران برقراری مجدد بودند، بسیاری طرح ۱۹۵۶ را با توجه به توضیحاتی که کمیته نیایشی رومی داد غنیمت شمردند. جلسه جامع کاردینالهای جوامع شرق متن ۲۷ ماه مه ۱۹۵۷ را مورد بحث قرار داد. متن نهائی توسط پاپ پیوس دوازدهم در ۲۶ ژوئن ۱۹۵۷ مورد تصویب قرار گرفت.

پس از این جامعه مقدس مشرق زمین سه کتاب منتشر کرد: «تکشا د قدآشا (Taksa d Quddasa)، شامل متن سریانی قُربانا دوباره برقرار شده با آنافورای آدای و ماری (Alwaye، ۱۹۶۰):

«ترتیب آیین عشای ربانی در کلیسای سریانی مالابار»

(Ordo Celebrationis Quddasa Juxta Usum Ecclesias Syro - Malabarensis)

که حاوی دستورات نماز لاتین برای برگزاری انواع مختلف قُربانا بود

عالیجناب رنه گرافینی، سردبیر محقق و مشهور نشریه «پدران کلیسای شرق» (Patrologia Orientalis) خواسته شد تا این متن را به چاپ برساند (۱۹۳۳) اما او نپذیرفت زیرا موافقت با چاپ چنین متنی به منزله همکاری با شیطن است، که همان لاتینی شدن می باشد. جماعت مقدس شرقی با محققین مشرق زمینی و متخصصین نیایشی همانند اسقف سیریل کورولووسکی، و کاردینال تیسران مشورت نمودند. در دسامبر ۱۹۳۴ با در نظر گرفتن پیشنهادات آنها، پاپ پیوس یازدهم با قاطعیت اعلام نمود: «نباید لاتینی شدن را در میان شرقیها تشویق نمود. اقدامات سطحی ناکافی هستند و نتایج خوبی به بار نمی آورند. بنابراین به وضعیت فعلی ادامه داده و فوراً کمیسیونی جهت بررسی دستورالعمل قبلی پاپ که می تواند قسمت به قسمت چاپ شود تشکیل دهید».

کمیسیون تحت ریاست پدر جیمز ووستو با استفاده از نسخه های متعدد موجود در آن زمان، کار دستورالعمل پاپی سریانی را در سال ۱۹۳۹ به پایان رسانید، اما به دلایل مختلف، کتاب در سال ۱۹۵۷ چاپ و منتشر گردید.

۲- قُربانا

پس از استقرار مجدد دستورالعمل پاپی، جماعت مقدس شرقی توجه خود را بر قُربانا متمرکز کرد. در دهم مارس ۱۹۵۴، کمیته ای با شرکت اسقف سیریل کورولووسکی، اسقف پلاسیدپودیپارا و اسقف راس (رئیس) و عمانوئیل (در حال حاضر اسقف کلدانی) به عنوان منشی، تشکیل شد. اسقفان سریانی مالابار در تاریخ ۶ ماه مه ۱۹۵۴ از وجود این کمیته آگاه شدند. کمیته طرحی جدید از قُربانا دوباره برقرار شده تحت

عناصر شرقی در تشکل متن ۱۹۶۲ صورت گرفت. چنین مخالفت‌هایی بر تشکل متن ۱۹۶۸ تا حدودی تأثیر نهاد. این متن که در تاریخ ۶ اوت ۱۹۶۸ ارائه شد در ۷ اوت ۱۹۶۸ توسط جماعت شرقی به صورت «برای تجربه» (ad experimentum) پذیرفته شد. این تأییدیه به این دلیل که متن می‌باید توسط اسقفان در ۱۵ اوت ۱۹۶۸ توشیح می‌شد (نطق کاردینال ربن، ۳۶ اوت ۱۹۸۰) عجولانه و بدون مطالعه کافی صورت گرفت و در واقع برخی دستکاریها در این متن لازم بود. در ۹ ماه مه ۱۹۶۹، رم دوره آزمایشی را به دو سال محدود ساخت و در ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۱ بار دیگر یک دوره سه ساله تعیین نمود.

(Supplementum Mysteriorum) « کتاب مکمل درباره رازها » حاوی قسمتهای قابل تغییر برای هر یکشنبه و اعیاد در سال نیایشی بود. یک واحد از هر کدام از نیایشهای متغیر برای هر فصل (و نه برای روزهای یکشنبه و اعیاد) در نسخه ۱۹۷۸ کتاب نماز و نیایش وارد گشت.

۳- قطعیت یافتن

روندی خسته کننده

در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ کنفرانس اسقفان سریانی مالابار اظهار علاقه نمود که شرایط و خواسته های فرهنگی متفاوت مملکت را در اصلاح نیایشی منظور کند و همزمان برای بازسازی، اصلاح و پذیرش نیایش تلاش نماید.

در واقع سیاست رم ابتدا این بود که اصلاحات نیایش سریانی مالابار با برقراری مجدد آن بررسی کند تا قبل از این که به حیطه پذیرش فرهنگ

(رم، ۱۹۵۹):

«آیین نماز روزمره کلدانی برای راهبان»

(Supplementum Mysteriorum sive Proprium de Tempore et de

Sanctis juxta Ritum Ecclesiae Syro - Malabarensis)

که مجموعه ای است از قسمتهای مختلف قُرَبانا، تقویم بازسازی شده و آیات منتخبه از کتاب مقدس که باید در قُرَبانا خوانده شود.

متن سریانی (Alwaye) در سال ۱۹۶۰ و متنی با قسمتی از ترجمه مالایالام در سال ۱۹۶۲ به چاپ رسید که در سوم ژوئیه ۱۹۶۲ در کلیسا معرفی گردید. اما در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۲ از طریق بیانیه «اصلاحات آیین عشای ربانی» (De Ritu Sacrificii Eucharistici Restaurando) روم اجازه داد تا تکشا (کتاب نماز ودعا) جدید در سمینارها، مراکز مطالعه و کانون نوآموزان مورد استفاده قرار گیرد.

نامه کلی شبانی که سوم ژوئیه ۱۹۶۲ برای اسقفان سریانی مالابار ارسال شد به ایمانداران نصیحت کرد که قُرَبانا جدید را در روح محبت زوال ناپذیر و اطاعت نسبت به مقر مقدس پاپ بپذیرند.

در این نسخه چاپی ۱۹۶۲ چند مورد حذف شده بود، مثلاً (Puqdanakon) «فرمان تو»، لیست نام نیکوکاران زنده و مرده، و چند هوتاما (برکات آخر) که در متن ۱۹۶۰ وجود داشتند.

در سوم دسامبر ۱۹۶۳، اجتماع مقدس در جواب به تقاضای اسقفان در اکتبر ۱۹۶۳ اجازه داد تا بعضی اصلاحات و اختصارات در متن انجم پذیرد. کمیته نیایشی سریانی مالابار مسؤول آماده کردن نوع کاملتر و بهتر مالایالام از متن سریانی شد.

مخالفت‌های زیادی از سوی بعضی ایمانداران و خادمین بر علیه حذف

بودند و هیچ کس نمی توانست جراحاتی را که موجب این نارضایتی شده بود شفا بخشد. آئین عشای ربانی که «راز مقدس اتحاد» است به صورتی دردناک به موجبات ناخرسندی در کلیسا تبدیل گردید.

تلاش چندی صورت گرفت تا با توجه به این واقعیت که زمان تعیین شده «برای تجربه» در متن قُرَبانا سپری شده، متنی بهتر و نهائی تهیه گردد. چندین متن در کمیته مرکزی نیایش به بن بست رسیدند، و جماعت مقدس شرقی نیز متون دیگری را مردود دانست.

درعین حال چندین متن نیایشی که به وسیله تمام مقامات کلیسائی مجاز شمرده نشده بود ظاهر گشت (۱۹۷۴). بدین سبب «نماز کوچک» - زبانزد همه - که تعدادی از رسوم و نیایشها را در چاپ کنار گذارده بود و «نماز هندی» (هندی شده) که با محتوا و ساختار قُرَبانا مغایرت داشت (۱۹۷۴)، مورد استفاده قرار گرفت. نقص اساسی چنین متونی عدم توافق میان اسقفان بود. در نور این، کنفرانس اسقفان مالابار (۱۲-۱۴ اوت ۱۹۷۴) تصمیم گرفت که از این به بعد کنفرانس اسقفان باید به متون نیایشی تأییدیه بدهد که به عنوان تأیید نهائی برای مقام پاپ فرستاده می شوند، و این که مقامات کلیسائی فرداً فقط می توانند متون شبه نیایشی را به چاپ برسانند. در سوم ژانویه ۱۹۷۷ جماعت مقدس در نامه ای به تک تک اسقفان کلیسای سربانی مالابار استفاده از هر متن نیایشی را بدون تأییدیه کنفرانس اسقفان و تأییدیه مقام پاپ ممنوع ساخت.

در اوت ۱۹۷۴، کنفرانس اسقفان کمیته ای به سرپرستی یکی از اسقفان تشکیل داد تا متن نماز مالایلام را آماده سازد. چنین متنی در سال (۱۹۷۸) آماده شد اما توسط کنفرانس اسقفان مردود گردید. در ۱۲ اوت ۱۹۸۰، سندی از رم تحت عنوان «گزارشی درباره وضعیت اصلاح نیایشی در کلیسای سربانی مالابار» به تمام اسقفان به عنوان کمکی برای کنفرانس

وارد شود آن نیایش را تجربه نماید. این درست در کلیسای مالابار بود که طعم و مزه اصالت نیایش سربانی شرقی را در طی چهار قرن گذشته از یاد برده بود.

دو نظریه مخالف در مورد نیایش در طی سالها سیر تکاملی پیموده بود. گروهی کوچک طرفدار عملی شدن نیایش مختص سربانی شرقی بودند و به بومی بودن و تطبیق این موضوع با مقام شبانی اهمیت نمی دادند. گروه دیگری عمدتاً درباره «احیا کردن» (aggiornamento) شبانی می اندیشیدند، و شاید مواقعی بر میراث سنتی تأکید کافی نمودند. یک گروه، فرمهای «ایده آل» را چسبیده بود حتی زمانی که جامعه کلی ایمانداران آماده پذیرش یا درک آن نبود. گروهی دیگر هم به دنبال اشکال دیگری از عناصر بودند که هرگز شخصاً تجربه نکرده بودند.

این اختلاف در کمیته مرکزی نیایشی هم ظاهر شد و در آن جا به زحمت امیدی برای دستیابی به متنی عامه پسند در میان ایمانداران وجود داشت. در جهت بدتر شدن وضعیت، دستورات جدیدی از مراسم نماز رومی (۱۹۶۹) که «نماز در مقابل جماعت ایمانداران» را تقویت می کرد به درون کلیسای سربانی مالابار خزید و بعضی از سربانی مالاباریها آن را به عنوان نوعی مراسم برگزاری پذیرفتند.

این نماز بدون اجازه و نیز بدون مخالفت «در برابر جماعت» رسمی آشنا برای کلیسا گردید. در طی چندین دهه بعضیها به عنوان مروجین و پیشنهاددهندگان شاخص بودند. در واقع متن ۱۹۶۸ اجازه داده بود تا نیایش کلمه «در برابر جماعت» در محراب (Bema) برگزار شود و بقیه مراسم به «سوی شرق» برگزار گردند. بر حسب متن ۱۹۶۲ به هر حال، تمام مراسم قُرَبانا را می بایستی رو به سوی مشرق برگزار کرد. مقامات در سلسله مراتب کلیسائی هم در مورد تمام این مسائل منقسم

متن نمازی ساده بود، بدون در نظر گرفتن این واقعیت که یک قُربانا جدی و موقر برای کلیسای شرقی مقیاس و معیار است. بر حسب بررسیها، می باید قبل از ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۳ متنی جدید از قُربانا به رم ارسال شود. پس از کنفرانس اسقفان سربانی مالابار در ۱۹ و ۲۰ ژوئیه کسانی که با این سند موافق بودند و آنهایی که آن را استقبال نکردند ارزیابیهای جداگانه ای به رم ارسال نمودند. اولی تحت عنوان «بررسی راهنمائیهای مقام پاپ در مورد متن قُربانا (۱۶ اوت ۱۹۸۳)»، دومی با عنوان «جوابیه ای به بررسی جماعت مقدس برای کلیساهای مشرق زمین».

کنفرانس اسقفان ۴ و ۵ دسامبر ۱۹۸۳ کمیته مرکزی نیایش را هدایت کرد تا متن را بر اساس اسناد روم و راهنمائیهای آن، و مطابق با روح نیایش مالاباری و نیازهای شبانی تهیه کنند.

بر طبق راهنمائی رم، متن بسیار جدی قُربانا می بایستی آماده می شد. کمیته مرکزی نیایش کمیته فرعی را تحت رهبری نویسنده این مقاله منصوب کرد بود تا رازا (جدی ترین قُربانا) را آماده سازد. این کمیته دو متن را آماده ساخت یکی در سپتامبر و دیگری در نوامبر ۱۹۸۴. کمیته مرکزی نیایش در ۶ فوریه ۱۹۸۵ تشکیل جلسه داد و با تنش و نارضایتی شدیدی در میان اعضاء مواجه شد. نقطه نظرهای افراطی موجب گردید که آنها هیچ متنی را تأیید نمایند. برای بعضیها این (متن) ترجمه ای بسیار آزاد منشانه و برای بعضی بسیار قشنگ و انعطاف ناپذیر بود.

نهایتاً پیشنهاد شد که ترجمه ای تحت اللفظی که توسط یکی از اعضاء انجام شده بود مطالعه شود و از طرح نوامبر ۱۹۸۴ نیز استفاده گردد. دشمنی روبه رشد موجود مابین گروههای مختلف بازنگری نیایشی، به جایی رسید که هیچ متنی نمی توانست نقطه نظرهای متفاوت و متضاد را راضی کند. بدین سبب اسقفان یک کمیته اسقفی منصوب کردند تا با

اسقفان که می بایستی در اواخر همان ماه در رم تشکیل می شد ارسال گردید. در این سند تأکید شده بود که نیایش سربانی مالابار باید به سنت نیایشی سربانی شرقی وفادار باشد، و تغییرات را باید فقط با هدف رشد بنیادی در ذهن پیشنهاد نمود.

کنفرانس اسقفان سربانی مالابار در روم در ۲۸ اوت ۱۹۸۰ تشکیل جلسه داد تا درباره نیایش بحث کند. پاپ پل دوم مؤکداً یادآور شد که کلیسا باید به سنتهای خود وفادار مانده و آنها را حفظ کند و هدف از هر گونه تغییری در نیایش رشد بنیادی آن است. عالیجناب کاردینال روبن در خطابه خود به مقامات سربانی مالابار خاطر نشان نمود که ویژگی متعصبانه اصلاح نیایشی باید بر اساس اسناد پاپی استوار باشد. او دستور داد که متن قُربانا باید قبل از عید پاک ۱۹۸۱ برای ارائه به رم آماده شود.

کنفرانس اسقفان سربانی مالابار (۴ دسامبر ۱۹۸۰) دستورالعملهای ذیل را برای آماده سازی این متن ارائه داد:

(۱) هیچ تغییری در آنافورا صورت نگیرد، (۲) تعداد اندکی نیایش قبل از آنافورا و بعد از آنافورا را می توان اختیار نمود، (۳) نیایشهایی به اشکال مختلف را می توان به جای بعضی از نیایشهای خاص استفاده نمود. مطابق با تصمیم کنفرانس اسقفان از ۳۰ مارس ۱۹۸۱، از اعضای کلیسا در رابطه با متن قُربانا نظرخواهی شد. در این رابطه ۷۵۸۱ نامه دریافت گردید (۵۰۵ کشیش، ۲۵۵۹ راهبه و ۴۵۱۷ ایماندار معمولی). متن آماده شده را در اکتبر ۱۹۸۱ به رم فرستادند اما مورد تصویب قرار نگرفت، و در اول مارس ۱۹۸۳ توسط انجمن مقدس شرقی دستورالعملهای صریحی برای آماده سازی متن جدید صادر گردید، در سندی به نام «تعمقهای درباره دستور مقام پاپ در مورد کلیسای سربانی مالابار، ۱۹۸۱». یکی از مخالفتهای عمده این بود که متنی که ارائه شده

ساده قربانا جداگانه تهیه می شود، آزادی عمل کافی برای تطابق و بازنگری شبانی وجود خواهد داشت. اما پس از تأیید آن توسط رم، بعضی از اسقفان برای چاپ رازا به همان صورت تعجیل نمودند و آن را در حوزه های اسقفی خود رایج ساختند.

اکثریت اسقفان موافق بهینه سازی زبان متن بودند که قبل از تأیید آن زمان کافی و توجه لازم برای این کار منظور نشده بود. چندین تحقیق، به صورت جدی یا طعنه آمیز، درباره رازا به زبان انگلیسی و مالایالام به چاپ رسید. یکبار دیگر تنشها به صورت بحرانی انباشته شد. به نظر می رسد که دستیابی به راه حلی برای مسئله قربانا غیرممکن است.

در اوت ۱۹۸۷ عالیجناب کاردینال سیمون لوردوسامی رئیس اجتماع مشرق زمینی، از تمام حوزه های اسقفی سربانی مالابار در گردهمایی دیدن کرد و اطلاعات دست اولی درباره بحران و راه حل های احتمالی آن جمع آوری نمود. بر اساس گزارش او پدر مقدس از اعضای اسقفان اجتماع مقدس مشرق زمین خواست که موضوع را مطالعه کنند.

پس از جلسه کاردینالها موضوع یکبار دیگر به پاپ ارجاع شد و او «دستورالعملهای نظم قربانا سربانی مالابار به صورت موقر، سنگین و ساده آن» را در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۸ مورد تصویب قرار داد و در تاریخ ۵ ماه مه ۱۹۸۸ آن را به صورت رسمی برای اجتماع و برای تمام اسقفان ارسال نمود.

مشورت با کمیته مرکزی نیایش، اگر تمایل داشته باشند، یا متخصصین دیگر متن رازا را آماده کند.

کمیته اسقفی پس از مشورت با کمیته مرکزی نیایش و افراد دیگر، ۱۷ نکته برای روشن سازی به کنفرانس اسقفان ارائه داد که می توانست دستورالعملهایی برای آماده سازی متن رازا باشد، اینها نکات مورد اختلاف بودند و اسقفان متحداً توافق کردند که راه حل ارائه شده توسط کمیته را بپذیرند. این موجب آسایش بود و امید آن می رفت که ناآرامی نیایشی بزودی برطرف گردد.

در حالی که متن در حال آماده شدن بود در ژوئیه ۱۹۸۵ سند دیگری از رم واصل شد تحت عنوان «داوری نهائی»، که به عنوان راهنما برای تشکیل متن داده شده بود. با توجه به این سند، طرح نهائی رازا آماده گردید و در سپتامبر ۱۹۸۵ در میان اسقفان توزیع شد.

این متن رازا که پیشنهادات اسقفان در آن منظور شده بود موضوع مورد بحث کنفرانس اسقفان در ۵ نوامبر ۱۹۸۵ گردید. کنفرانس «متن رازا را که توسط کمیته فرعی اسقفان تهیه شده بود در مطابقت با هدایت جماعت برای کلیساهای مشرق زمین، به تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۵، دید و تصمیم گرفت آن را به منظور اقدام مقتضی برای جماعت ارسال نماید» (تصمیم کنفرانس). کنفرانس همچنین اجازه خواست تا تطابقهای لازم را در رازا برای هیئتهای بشارتی صورت دهد. در ۵ دسامبر ۱۹۸۵ با این تقاضا موافقت شد. رم متن رازا را مورد تأیید قرار داد و این متن توسط حضرت پاپ ژان پل دوم در کوتایام طی مراسم طلب آموزش و تبرک برای الیاس چاوارای متبارک و آلفونس قدیس مورد استفاده قرار گرفت. حتی موقعی که در متابعت از سند رومی «داوری نهائی» متن رازا مورد تأیید کنفرانس اسقفان قرار گرفت، یک تفاهم آشکار وجود داشت که هنگامی که فرم

روحیه و اساس اصلاح نیایشی طلب می کند که هر دستورالعمل در این رابطه از نظر مذهبی سالم و از نظر نیایشی صحیح و از نظر شبانی امکان پذیر باشد. اما در واقع سند از تنش روانی و عدم هماهنگی که کلیسای سریانی مالابار را در چندین سال گذشته آزرده آگاه است.

بدین سبب در جستجوی بهترین نیست، بلکه در این اندیشه است که روحیه اصلاح نیایشی و نیازهای شبانی را در وضعیت واقعی کلیسا جمع بندی کند. دستورالعملها این کار را انجام می دهند، هنگامی که با هدف رسیدن به ایده آل بر تعلیم خوب و مداوم نواآموزان تأکید می ورزند. اجتماع مقدس مایل است «حق مقامات کلیسائی را برای بیان نظریات خود به طور کامل و آزادانه محترم شمارد». درباره موضوعات نیایشی دانستن نظریات آنان درباره گزارش رسمی کنفرانس اسقفان سریانی مالابار که در تاریخ ۲ و ۳ دسامبر ۱۹۸۶ برگزار شد، ضرورت دارد. بر طبق این سند هر تلاشی انجام شده تا به درخواستهای سلسله مراتب دسترسی حاصل شود و در عین حال روحیه و ساختار اساسی تشریفات مذهبی نیز در جای خود محفوظ بماند (شماره ۷). سند به علاوه اقرار می کند که اشخاص معمولی محلی را از حق و وظیفه خود برای حل مسائل قطعی شبانی محروم نمی سازد و رسوم محلی را در نیایش در محدوده قانونی و مشروع آن محترم می شمارد (شماره ۴). بدین سبب نگرانی شبانی این سند تفسیر بسیار واضحی از آماده سازی قبل از به انجام رسانیدن آن می دهد.

منابع اساسی برای این سند به سه صورت زیر داده شده:

- ۱) قُرَبانا بسیار جدی که رازا نامیده می شود و در سال ۱۹۸۶ مورد تأیید قرار گرفت.
- ۲) گزارش رسمی کنفرانس اسقفان سریانی مالابار از دسامبر ۱۹۸۶.

۴- دستورالعملهای رم

به تاریخ ۵ ماه مه، ۱۹۸۸

نگرانیهای شبانی

در شرح «دستورالعمل رومی نظم قُرَبانا سریانی مالابار در فرم جدی و ساده» اظهار شده که «به صلاح ایمانداران» (bonum fidelium) است که قاعده شبانی حاکم بر تمام قانونگذاریهای نیایشی باشد (ماده ۲). در نامه محرمانه دستورالعملها که به وسیله عالیجناب کاردینال سیمون لوردوسامی رییس اجتماع مقدس مشرق زمین امضا شده گفته شده که «اجتماع... یک میانه رو (Via media) را فرموله کرده با این نیت که از یک سو نیازهای شبانی و از سوی دیگر روحیه و اصول اصلاح نیایشی را سر و سامان دهد». در واقع برگزاری نیایش اعلام خبر خوش است، این بیان آن است که ما که و چه هستیم و به شیوه ای پر معنا و لذت بخش، جلب مردم به ایمان و تعهد می باشد. بنابراین هدف مراسم نیایشی فقط این نیست که انجام شود، همچنان که هدف از تنظیم سرود فقط این نیست که سروده شود، و یا هدف از یک قرائت این نیست که خوانده شود بلکه ملاقات با عیسی مسیح است، ملاقات با خداست. بدین جهت جنبه شبانی نیایش و اصلاح نیایشی اهمیت بسیار دارد.

دستورالعملها، بنابراین، به طور خاص به جنبه های متفاوت یک مراسم برگزار شده نظر می اندازد:

- ۱) روحیه و اصول اصلاح نیایشی
- ۲) نیازهای شبانی

«تدارکات برای ترویج و معرفی این متن در همه جا و در زمانی معین، که نباید بیش از سه ماه بعد از تأیید نهائی متن توسط مجمع باشد، می بایستی انجام شود».

سند باید آگاهانه، آرام و با احتیاط پیش رود: سایر انتخابها، تطبیقها و بهینه سازیها در متن می باید بعدها برای تأیید پیشنهاد گردد.

۵ - متونی از قُربانا سنگین و ساده به تاریخ ۱۹۸۸

دستورالعملهای جدید جهت گیریهای خاصی برای چندین نیایش و مراسم قُربانا ساده و سنگین ارائه می دهد. بر حسب جهت گیری، یک تکشا جدید یا نظم قُربانا ساده و نیز سنگین می بایستی تهیه می شد. یک کتاب نماز مذبح برای تمام اشکال قُربانا- رازا سنگین و ساده همراه با متونی برای شکل ساده و شکل سنگین جهت تأیید به رم فرستاده شد، با حفظ زمان تعیین شده در دستورالعملها یعنی ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸. برای این منظور تحت رهبری اسقف سباستین مانکوزیکاری چندین کمیته با پشتکار و با توافق اسقفان کار کرد (بدون هیچ گونه رأی گیری)، و متن از کنفرانس اسقفان گذشت. کلیسای مالابار در انتظار کلامی از رم بود، همچنان که در روز شنبه مقدس در انتظار قیام خداوند می باشد. با وجودی که برخی مخالفتهای شدید در برابر دستورالعملها و یادداشتها بر علیه متن نهائی که برای تأیید (۱۹۸۸) به رم فرستاده شده، ما امیدواریم که این مرحله نشانگر پایان ناراحتیها و تنشها باشد و رم بر علیه هر چیز که ممکن است به روح هماهنگی و تفاهم صدمه بزند شدیداً اقدام نماید.

۳) «داوری نهائی» از اجتماع برای کلیساهای مشرق زمین در رابطه با نظم قُربانا سربانی مالابار (۱۹۸۵).

اما در آماده سازی دستورالعملها بررسی دقیقی از تمام اسناد مربوطه در دهه های اخیر منجمله تمام متون رسمی و خصوصی و مکاتبات به عمل آمد، مخصوصاً از متون قُربانا ۱۹۶۲، ۱۹۶۸ و رازا بازسازی شده و همچنین از نظام پیشنهادی نماز مقدس (۱۹۸۱)، مطالعاتی درباره نظام نماز مقدس (۱۹۸۳)، جوابیه ای به بررسیها (۱۹۸۳)، داوری نهائی (۱۹۸۵) و گزارش رسمی از جلسات کنفرانس اسقفان سربانی مالابار از ۲ تا ۳ دسامبر ۱۹۸۶ (شماره ۶).

اینک برای آماده کردن متن در نور دستورالعملها، بایستی «متن تکشا یا نظم قُربانا موقر و سنگین و قُربانای سبک توسط کنفرانس اسقفان سربانی مالابار بر پایه متن تأیید شده رازا و این دستورالعملها آماده گردد».

به منظور اجرای متن، باز هم راهنمایی واضحی وجود دارد: «لحظه ای که متن جدید برای فرمهای سنگین و ساده به مرحله اجرا درآید، استفاده از متون دیگر که قبلاً مجاز بوده اند منجمله کتاب نماز و نیایش معرفی شده «برای تجربه» در سال ۱۹۶۸ و متن هنوز مورد استفاده در بسیاری از حوزه های اسقفی، «خود به خود» ممنوع است.

«متن مالایالام (بومی) نیایش در صلاحیت کنفرانس اسقفان سربانی مالابار در مشورت با متخصصین زبان و نیایش است...» (شماره ۸۸)، در حالی که اجتماع مقدس فقط نیاز به «ترجمه انگلیسی دقیق و کامل برای تأیید نهائی دارد».

سردرگمی به وجود آمده توسط معرفی متن قُربانا از سال ۱۹۸۶ در معدودی از حوزه های اسقفی از نظر شبانی آزار دهنده بود. بدین سبب اقدامات احتیاطی برای متن بعدی به عمل می آید:

اصلاح و سپس چاپ شد و از ۱۸ دسامبر ۱۹۶۸ در کلیسا مورد استفاده قرار گرفت. نویسنده این مقاله متن مالایالام را آماده کرده بود اما بر حسب دستورالعمل اسقفان تمام فرمولهای آئینهای کلیسایی به صورت اشاره داده شده نه به صورت تمنا و یا وجه شرطی آن طوری که در اصل بوده است. همچنین بعضی نیایشها کوتاه شده و آئینهای کلیسایی نیز به بازنگری احتیاج داشتند.

مراسم تدفین و نماز برای مردگان به زبان مالایالام در سال ۱۹۶۶ ارائه شد، و در کلیسا به دلیل محتوا و کیفیت موسیقایی آن مورد تحسین قرار گرفت. مراسم بازسازی شده یکشنبه هوشیانا، عیدگذر، پنجشنبه مقدس و جمعه درد و رنج در سال ۱۹۶۹ معرفی شد. اما آنها بهترین از این نوع نیستند و در بسیاری جنبه ها کمبود دارند. مراسم یکشنبه مقدس و مراسم عید پاک را هنوز باید تدوین کرده معرفی نمود. متن سرود نماز-آهنگها و نغمه ها- به عنوان «برای تجربه» در ۱۶ اوت ۱۹۷۱ تصویب گردید.

از آن زمان چندین متن سرود نماز تصویب نشده (به وسیله کل مقامات کلیسایی) باقی مانده که بیشتر آنها ناقص هستند. تلاشی از جانب مقامات کلیسایی صورت گرفته تا آهنگها، حتی برای سرودهای معمولی قُربانا تثبیت گردند، تا این که قُربانا به قطعه ای اپرایی و یا ارکسترمانند تبدیل نشود، و سرودن دسته گُر را به فقط چند سراینده خوش صدا و با استعداد محدود نموده اند. دو سری جدید از سرود نماز در سال ۱۹۶۹ تأیید گردید.

۷- نتیجه گیری

سیاست رومی کردن دیدگاه کلی مسیحیان مالابار را نسبت به مراسم و تشریفات مذهبی و نیایش تغییر داد. به استثنای صدائی ضعیف که به طور

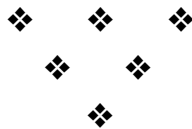
بیانیه ای از جماعت مقدس مشرق زمین به تاریخ سوم آوریل ۱۹۸۹ متن را با اصلاحیه های بسیار سبکی تأیید کرد، که اکثر آنها با دستورالعملهای ۵ ماه مه ۱۹۸۸ مطابقت داشت. بر اساس این، تکشای جدید چاپ و در سوم ژوئیه ۱۹۸۹ منتشر شد. مراسله ای رسمی به تاریخ ۸ مه ۱۹۸۹ اجازه چاپ جداگانه فرمهای سبک و سنگین را صادر نمود.

۶- سایر کتب نیایشی

Breviarium Chaldaicum که در سال ۱۸۸۶ در سه جلد برای کلدانیها تنظیم شده بود در سال ۱۹۳۸ توسط جماعت مقدس مشرق زمین برای کلدانیها و مالاباریها به چاپ رسید. دو جلد، یکی درباره ایام انابت و دیگری در مورد عید رستاخیز (۱۹۶۷) به زبان مالایالام انتشار یافت. سپس نیایشهای سایر فصول به صورت کتابچه هائی چاپ و توسط کمیته های مجاز نیایشی منتشر گردید. در همین حال بدون موافقت مقامات کلیسائی سری دیگری از نماز الهی در سه جلد به زبان مالایام برای استفاده خواهران منتشر شد. سه جلد دیگر از کتاب نماز الهی کمیته فرعی برای نماز الهی که در سال ۱۹۷۳ منصوب شده بود بررسی و ابتدا در سال ۱۹۸۲ و سپس به صورت بازبینی شده در سال ۱۹۸۶ به چاپ رسید. کلیسای سریانی مالابار به مدت چهار قرن از ترجمه سریانی آئینهای مذهبی رومی آن طور که در کتب مذهبی کلیسای رم دیده می شوند استفاده نموده است. پرتغالیها در واقع ترجمه ای سریانی از آئینهای کلیسائی حوزه اسقفی براگا در پرتغال انجام دادند. برای اصلاح آئینهای کلیسائی رم متن لاتین دستورهای نماز در ایتالیا را دارد که آئینهای مذهبی در مالایالام بر طبق آن

ادواری طی قرون شنیده شده که از لاتینی شدن شکایت داشته است، اکثریت (ایمانداران) شستشوی مغزی شده‌اند. دیدگاه بی تفاوتی نسبت به تشریفات مختلف مذهبی در کلیسا به آهستگی در آنها رشد نمود، و موجب بی‌اعتنائی نسبت به شعائر مذهبی و نیایشی آنها گردید. چهار قرن روند رومی کردن آنها را ترغیب نمود تا از قبول و یا حتی استقبال سرد نسبت به اصلاح مراسم نیایشی سرباز زنند. به این دلیل که زندگی روحانی آنها بر اساس تعهد و پای بندی به کلیسای قرون وسطای مغرب زمین بوده، آشنایی با زندگی سالم نیایشی و اصول زندگی روحانی برای آنها بسیار مشکل شده است.

کلیسای سربانی مالابار پس از یک روند طولانی لاتینی شدن و بازگشت، و یا تا حدودی دوباره لاتینی شدن، می‌باید اینک قانع شده باشد که لازم است نسبت به سنت نیایشی و مقتضیات شبانی بیشتر باز باشد. ثابت شده که مهارتهای انسانی، و سیاستهای مقتدرانه کلیسایی در نگهداری اتحاد و هماهنگی در کلیسا بی‌تأثیر هستند. اینک همگی باید در نیایش از بالا و از قدرت روح القدس که «باشد که ما همگی یک باشیم» کمک بطلبیم و برای این منظور از چارچوب مراسم برگزاری شام خداوند شروع کنیم.



فصل پنجم

مطالعاتی درباره متن

۱ - رازا: موقرترین فرم قُربانا

ویژگیهای آن

در میان مسیحیان پیرو تومای قدیس واژه‌هایی که عموماً برای آیینهای نماز به کار برده می‌شود رازا، قُربانا و قدّاشا (Quddasha) هستند که هر کدام به معنی رازهای مقدس، تقدیمیها و تقدیس کردن می‌باشد. واژه رازا در فرم انفرادی نشان‌دهنده هر آئین مذهبی، و به صورت کلی نمایانگر عشای ربانی است. در میان مسیحیان مالابار فرم انفرادی به طور خاص اشاره بر نیایش کاملاً موقرانه دارد، در حالی که در میان مسیحیان غیر کاتولیک تومائی، رازا به هر فرم به معنی حرکت دستجمعی کلیسایی است. سرودی که در طی انتقال هدایای شام خداوند از طاقچه کناری یا «بیت گزّه» (Beth - gazze) به مذبح خوانده می‌شود «دِ رازا» (D` Raza) نامیده شده است (از آئینهای کلیسایی).

قُربانا به طور معمول واژه‌ای است که در زبان مالایالام برای اشاره به برگزاری مراسم رازهای مقدس شام خداوند مورد استفاده قرار می‌گیرد. واژه قدّاشا به معنی تقدیس کردن و مقدس ساختن است. در سنت نیایشی این واژه به معنی برگزاری رازهای مقدس است و معمولاً برای نشان دادن آنافورا به کار می‌رود.

۲. زمور خاص و نیایشهای پایانی

۳. بوسیدن صلیب و سرود دستجمعی سرزنشها

۴. سرود لاکومارا، ترپساگیون با بخور

۵. دو تعلیم (درباره شریعت و انبیا، سرود دستجمعی سرزنشها) این هم موقرانه.

۶. زمور قبل از رساله، «سورایا» (SURAYA)

۷. موعظه مقدماتی (ترجمه) درباره رساله

۸. رساله

۹. زمور قبل از انجیل، «زومارا» (ZUMARA) این هم برای وقار

۱۰. بوسیدن انجیل، و سرود دستجمعی آن

۱۱. موعظه مقدماتی (ترجمه) درباره انجیل

۱۲. انجیل، آماده سازی قربانیها

۱۳. نیایش مخصوص ایمانداران

۱۴. مرخص کردن ناشایستگان

۱۵. مراسم به روی در خاک افتادن

۱۶. تقدیس نان و جام، اعتقادنامه، آنافورا، شکستن (نان)،

سرودخوانی شماسان جلودار

۱۷. نیایشهای آماده سازی برای مشارکت، مشارکت

۱۸. شکرگزاری و تبرک نهائی

می باید اشاره شود که ویژگی خاص رازا به خوبی از مراسم نیایشی ابراهیم بارلیفه (قرن هفتم) و جرج دروغی اهل اربیل (قرن یازدهم) آشکار است. سرود دستجمعی سرزنشها و مزامیر قبل از قرائت رساله و انجیل بر حسب روزهای یکشنبه و اعیاد فرق می کند.

فرمهای مراسم برگزاری

هر نیایش در برگزاری نحوه خاص وقار خود را دارد. متن بازسازی شده قربانان سه نوع مراسم برگزاری را ارائه می دهد، با وقار، بسیار با وقار، و ساده. (۱) با وقار: این سرود نمازی است که عموماً به عنوان نماز عالی شناخته می شود. افراد معمولی آموزش دیده به عنوان شماس، قرائت کننده کتاب مقدس و غیره در کلیساها همراه با دسته سرایندگان به مردم کمک می کنند تا مشارکت بهتری در نیایش داشته باشند، این نوع برگزاری مراسم برای روزهای یکشنبه و سایر اعیاد معمولی ایده آل است.

(۲) بسیار باوقار: علاوه بر آنچه که درباره فرم باوقار در بالا گفته شد، نیایش بسیار با وقار، رازا را در موقعیتهای استثنائی و خاص برگزار می نمایند.

(۳) ساده: این محاوره ای ساده در نماز با مردمی است که فعالانه شرکت دارند. در سنت شرقیها در فرم ساده سرودها حذف نمی شوند.

۲- رازا: فرم بسیار باوقار نیایشها و تشریفات

علاوه بر آنچه که در قربانان معمولی وجود دارد.

در نیایش کلمه، علاوه بر سرودخوانی شماسان جلودار که بلافاصله پس از شکستن (نان) صورت می گیرد نیایشهای اضافی و مراسم رازا نیز وجود دارد. قسمتهای متناسب با رازا را که در حیطه تسلسل نیایشها و مراسم قربانان عادی است در ذیل، داده ایم:

۱. جلال بر خدا در اعلی علیین، پدر ما، نیایش